

بسمه تعالی

نماد و نشانه شناسی شهرستان آستانه اشرفیه

(با تأکید بر خیابان اصلی)

هرگونه استفاده از این تحقیق به هر شکل بدون اجازه کتبی از استاد راهنما و از دانشجو ممنوع است. علاقمندان به استفاده از این تحقیق می توانند با دانشجو یا

استاد مربوطه تماس بگیرند

به دلیل کمبود جا تمامی عکس های تحقیق که تعداد آنها به بیش از ۵۰ عکس می رسیده است حذف شده اما در ارشیو پایگاه محفوظ است.

استاد: دکتر ناصر فکوهی

دانشجو: معصومه الماسی ماشک

m_diamond_a@yahoo.com

www.kandooocn.com

درس : انسان شناسی شهری

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

نیمسال دوم ۸۷ - ۸۶

فهرست مطالب

چکیده..... ۳

مقدمه..... ۴

۱- طرح مسأله ۶

۱-۱- پرسشهای تحقیق ۷

۱-۲- روش های تحقیق ۸

۱-۳- معرفی تاریخی - جغرافیایی میدان تحقیق ۹

۱-۳-۱- تاریخچه ۹

۱-۳-۲- موقعیت جغرافیایی ۱۰

۱-۴- اشکال شهر و کارکردهای آن ۱۳

• پل گُری (کورپی) ۱۳

- ساختمان ها ۱۹

۱- شکل ساختمان ها ۱۹

۲- انواع ساختمان ها (بناها) ۲۴

• فلکه ی کیشهر ۲۷

• بازار ۳۰

- ۱- فضا و مکان بازار..... ۳۲
- ۲- زمان و بازار ۳۷
- ۱-۲- زمان تشکیل بازار ۳۷
- ۲-۲- تأثیر زمان بازار بر شهر ۳۸
- ۳- انسان ها (فروشنندگان و خریداران) و بازار ۴۰
- ۱-۳- زبان و لهجه ۴۰
- ۲-۳- پوشاک ۴۲
- ۳-۳- نوع محصولات مورد مبادله ۴۴
- حرم آقا سید جلال الدین اشرف ۴۸
- ۱- مسجد جامع ۴۹
- ۲- حرم آقا سید جلال الدین اشرف ۴۹
- ۲- یافته های پژوهش ۵۶
- ۱-۲- پرسش نخست ۵۶
- پل گُری (کورپی) ۵۶
- فلکه ی کِیاشهر ۵۸
- بازار ۵۸
- حرم آقا سید جلال الدین اشرف: ۶۹
- ۲-۲- پرسش دوم ۶۳
- پل گُری (کورپی) ۶۳
- فلکه ی کِیاشهر ۶۵

۶۵ بازار ●
۶۹ حرم آقا سید جلال الدین اشرف ●

۷۱ نتیجه گیری
۷۷ منابع
۷۸ ضمایم

چکیده :

در این تحقیق آنچه به عنوان نمادها و نشانه های شهری مطرح می شود ، در دو مفهوم مورد بررسی قرار می گیرد :

۱. شکل ؛ این بخش شامل توصیف خصوصیات از افراد و اشیاء می باشد که ما به عنوان ناظر در آن پدیده ها مشاهده می کنیم که بیشتر شامل خصوصیات ظاهری آن ها می باشد.
۲. کارکرد و کاربری ؛ این بخش بدان معناست که در کنار مفهوم شکل و ظاهر پدیده یا پدیده ها ، مجموعه ی این اشکال در کنار یکدیگر معنایی را ایجاد می کنند که نمی توان آن را جدای از این شکل یا اشکال دانست ، بلکه به عبارتی می توان گفت که روح و معنای جسم و ظاهر افراد و اشیاء می باشند .

در این تحقیق می خواهیم ببینیم که چه مواردی (نمادها و نشانه هایی) در شهرستان آستانه اشرفیه وجود دارند که نشان می دهند محیطی که ما از آن صحبت می کنیم یک شهر است و بعد می خواهیم بدانیم که این عوامل با توجه به چه معیارهایی یا به عبارت بهتر با داشتن چه ویژگی هایی نشان از یک شهر شمالی (شهری که در شمال کشور ایران قرار دارد با ویژگی های خاص این منطقه) می دهد ؟

البته آنچه در این تحقیق آورده می شود با تأکید خاص بر چند نقطه ی مهم (پل ، بازار ، فلکه ی کياشهر (میدان جمهوری) ، حرم آقاسید جلال الدین اشرف) در خیابان اصلی شهر می باشد .

میدان تحقیق ، شهرستان آستانه ی اشرفیه از شهرستان های استان گیلان می باشد که در شرق استان قرار دارد .

کلید واژگان :

آستانه اشرفیه - بازار - زمان - شکل - شهر - فضا - کارکرد

مقدمه :

آنچه که از آن به عنوان انسان شناسی شهری صحبت می کنیم ، «مطالعه بر انسان را با حرکت و بر اساس محوریت پدیده ی « شهر» در دستور کار خود قرار می دهد.» (فکوهی ، ۱۳۸۳ ، ص ۲۵)

در انسان شناسی شهری ما با دو مفهوم اصلی انسان و شهر و رابطه ی متقابل آن ها سرو کار داریم.

اما در این مطالعه ی ما در کنار این دو مفهوم کلی با مفاهیم بی شمار دیگری سرو کار داریم که در ارتباط با هم و تأثیرات متقابلی که بر روی یکدیگر می گذارند ، در نهایت از مطالعه ی مجموع آن ها به چیزی می رسیم که به مثابه روح یک جسم می باشد .

تا آنجا که ما به کار توصیف این وضعیت (توصیف خود مفاهیم) می پردازیم بیشتر از حوزه ی

مردم نگاری صحبت می شود و از آنجایی که به تحلیل توصیفات می رسیم (مطالعه و تحلیل مفاهیم در کنار هم ، نه صرفاً توصیف یک مفهوم جدا از سایر مفاهیم) ، به روح مطلب می رسیم از حوزه ی انسان شناسی صحبت می کنیم .

در این تحقیق سعی محقق بر این بوده است که پا را فراتر از توصیف پدیده ها و مفاهیم نهد و بتواند در کنار توصیف شکل پدیده ها به کارکرد آنان نیز پردازد و تا حد امکان بحث را وارد حوزه ی انسان شناسی نماید .

در این تحقیق شیوه ی کار بدین طریق است که چند نقطه ی مهمی را که در خیابان اصلی شهرستان آستانه اشرفیه قرار دارد مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم و همانطور که در این تحقیق به آن ها اشاره می شود ، این نقاط به عنوان نشانه ای برای مردم شهر عمل می کنند .

برای مطالعه ی شهرستان از چندین روش استفاده شده است .

محقق خود در کنار یک شناخت کلی که از شهر در ذهن داشته است ، برای جلوگیری از اشتباهات و همچنین عدم قضاوت در مورد مکانی که سال ها در آن زندگی نموده است ، در ابتدا ی کار چندین بار مسیر خیابان اصلی شهر را پیاده طی نموده تا بتواند از آنچه که در مورد ویژگی های شهر وجود دارد یادداشت برداری کند ، در کنار این روش از روش عکس برداری نیز استفاده شد که کمک بسیاری در پیشبرد کار تحقیق نمود و همچنین گفتگو هایی با افراد محلی نیز داشته است ، در کنار کار میدانی از روش اسنادی و اینترنت استفاده شد .

مشاهده ی شهر در طی دو نوبت ، فروردین (عید نوروز) و خرداد ماه صورت گرفته است.

در اینجا جا دارد از همه ی عزیزانی که مرا در به انجام رساندن این تحقیق یاری رساندند تشکر نمایم، دستفروشان عزیز ی که در حین فعالیت به بنده اعتماد نموده و سؤالاتم را با حوصله فراوان پاسخ دادند، از شهرداری شهرستان آستانه ی اشرفیه به ویژه جناب آقای مهندس بی باک ، و خانم ها مولود و هاجر الماسی ماشک و در آخر باید یک تشکر ویژه از استاد گرامی ام ، جناب آقای دکتر فکوهی به خاطر تمامی راهنمایی های مفیدشان که در زمان تحقیق برای اینجانب داشته اند ، داشته باشم .

امید آنکه بتوانیم با تمرین هایی از این دست ، گام های هرچند کوچک اما مؤثری را در جهت شناخت و رفع مسایلی که ناشی از این عدم شناخت وجود دارد برداریم.

معصومه الماسی ماشک

خرداد ۸۶

۱- طرح مسأله :

آنچه در این تحقیق به عنوان نمادها و نشانه های شهری از آن صحبت می شود ، در دو مفهوم مورد بررسی قرار می گیرد : ۱. شکل ۲. کارکرد و کاربری
اما پیش از پرداختن به این مسأله گفتن نکاتی حائز اهمیت می باشد:
پس مهمترین سؤالاتی که مطرح می شود به این شکل می باشد که :

به طور کل ما در این تحقیق می خواهیم ببینیم که نمادها و نشانه ها به چه اشکالی در شهر وجود دارد؟ نشانه های شهری دارای چه کارکردهایی در شهر می باشند؟ چگونه نمادها و نشانه ها در شهرستان آستانه اشرفیه نشان می دهند محیطی که ما از آن صحبت می کنیم یک شهر (شهر شمالی) است؟ بنابراین برای نیل به این هدف، کار تحقیق را با تمرکز بر روی این دو نکته پی می گیریم:

(۱) شکل: این بخش شامل توصیف خصوصیات از افراد و اشیاء می باشد که ما به عنوان ناظر در آن پدیده ها مشاهده می کنیم که بیشتر شامل خصوصیات ظاهری آن ها می باشد؛ مثلاً در مورد انسان ها [شکل اجزای بدن (چگونگی اجزای صورت و...)]، خصوصیات گفتاری افراد (نوع صدا، لهجه و...)، پوشاک آنان و نقش آنان و ...] و در مورد اشیاء که شامل ساختمان ها [نوع مصالح به کار گرفته شده در آن ها، شکل سقف، نوع ساختمان ها]، و میدان (نقطه ی قرار گیری آن، ...) می باشد.

(۲) کارکرد و کاربری: اما تمامی مواردی که در مفهوم شکل به آن ها اشاره شد، در کنار شکل ظاهری خود (آنچه که ناظر مشاهده می کند) دارای کارکردهایی نیز می باشند، این بدان معناست که این شکل و یا مجموعه ی این اشکال در کنار یکدیگر معنایی را ایجاد می کنند که نمی توان آن را جدای از این شکل یا اشکال دانست، بلکه به عبارتی می توان گفت که روح و معنای جسم و ظاهر افراد و اشیاء می باشند. مثلاً نوع پوشش خاص زن دستفروش (نوع بستن روسری و چادر و...) و یا نوع لهجه و بیان کلمات و حتی نوع محصولات و مکان فروش محصولات او، همه ی این ها در مجموع علایم و نشانه هایی هستند که به ما این معنا را منتقل می کند که این دستفروش متعلق به شهری شمالی می باشد و در مراحل نهایی ارتباط این دستفروش با سایر ویژگی های شهر که در نهایت، مجموعه ای از این ویژگی ها در کنار هم سبب تمایز یک شهر شمالی با مثلاً یک شهر در مرکز کشور یا یک شهر جنوبی می شود و به عبارتی ما در نهایت به طور

ناخود آگاه ویژگی های خاص و عام این شهر را با سایر شهرها را بدست می آوریم که ما را به یک شناخت خوبی از یک شهر می رساند.

۱-۱- پرسشهای تحقیق :

آنچه که بعد از حضور در میدان، محقق را به ادامه ی کار تحقیق به صورت سازمان یافته تر و جدی تر واداشت سؤالاتی بود که از مجموعه ی مشاهدات از شهر و متمرکز کردن ذهن بر روی مواردی که در شهر برای اهالی نقاطی حساس به شمار می آمده اند و اینکه با توجه به موضوع تحقیق (نماد و نشانه های شهری) این موارد می توانند به عنوان نشانه عمل کنند یا خیر ، برایم مطرح شدند، که در صدد پاسخگویی به این سؤالات بر آمدم البته پاسخگویی به پرسش سوم (به دلیل اینکه به نوعی کلیت تحقیق در این بخش تعریف می شود) را در قسمت نتیجه گیری بیان می کنم .

۱. نمادها و نشانه ها به چه اشکالی در شهر وجود دارد ؟
۲. نشانه های شهری دارای چه کارکردهایی در شهر می باشند؟
۳. چگونه نمادها و نشانه ها در شهرستان آستانه اشرفیه نشان می دهند محیطی که ما از آن صحبت می کنیم یک شهر (به ویژه شهر شمالی) است ؟

۱-۲- روش های تحقیق :

محقق خود در کنار یک شناخت کلی که از شهر در ذهن داشته است ، برای جلوگیری از اشتباهات و همچنین عدم قضاوت در مورد مکانی که سال ها در آن زندگی نموده است ، در ابتدای کار چندین بار مسیر خیابان اصلی شهر را پیاده طی نموده تا بتواند از آنچه که در مورد ویژگی های شهر وجود دارد یادداشت برداری کند ، در کنار این روش از روش عکس برداری نیز استفاده شد که کمک بسیاری در پیشبرد کار تحقیق نمود و همچنین گفتگو هایی با افراد محلی نیز داشته است ، در کنار کار میدانی از روش اسنادی و اینترنت استفاده شد .

مشکلی که در زمینه کار در میدان وجود داشت ، این مطلب بود که متأسفانه توضیح دادن برای تک تک افراد ی که از آن ها عکس گرفته می شد ، دشوار بود و به همین دلیل در یک مورد یکی از دستفروشان اجازه نمی دادند که از آن محل عکس بگیرم . بعد از اینکه برایشان توضیح دادم که این عکس ها برای چه کاری است و با وجود اینکه توضیح کاملاً منطقی بود ، چون از ابتدا برایشان سوء تفاهم پیش آمده بود قبول نکردند . که این برای خودم یک تجربه ی بسیار خوبی بود تا این اشتباه را در کارهای بعدی تکرار نکنم .

این مسأله به این دلیل است که متأسفانه شهرداری بساط دستفروشان را جمع می کنند و به همین دلیل بعضی اوقات افراد این پرسش را مطرح می کردند که آیا شما از طرف شهرداری آمده اید؟

یک مشکل دیگر اینکه در مورد جمع آوری اطلاعات در مورد بنای حرم مطهر منابع کمی داشتم و یا اگر هم بودند توضیح کاملی نداشتند و این مسأله مرا در نوشتن کار اتنو گرافی با مشکلاتی مواجه نمود.

به طور کلی روش های مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از :
مشاهده ، عکس برداری ، گفتگو با افراد محلی (نه به شکل مصاحبه ی عمیق) ، روش کتابخانه ای و اینترنت .

۱-۳- معرفی تاریخی - جغرافیایی میدان تحقیق :

۱-۳-۱- تاریخچه:

در کتابهای تاریخی آمده است که شهرستان آستانه اشرفیه در گذشته چورکوجان نامیده می شد و چور در زبان گیلکی به معنای زمین بایر و بلااستفاده (لم یزرع) بکار می رود. اما پس از تدفین حضرت سید جلال الدین اشرف (ع) پسر امام موسی کاظم (ع) و برادر حضرت امام رضا (ع) در این شهر نام آن به آستانه اشرفیه تغییر یافت . ([www . Astaneh Ashrafiyeh . com](http://www.Astaneh Ashrafiyeh.com))

«این شهر در قدیم «کوجان» نام داشته است . کاشانی در تاریخ اولجایتو از کوچیان نام برده است که احتمالاً صورت دیگر همین نام است. اسکندر بیک ترکمان ، نام این روستا را آستانه ، یاد کرده و آن را از توابع لاهیجان به شمار آورده است.» (فقیه محمدی جلالی ، ۱۳۸۳، ص ۳۶۹)

« مرحوم جهانگیر سر تیپ پور معتقد است که نام کوچان از عهد عضالدوله دیلمی بر کوچان باقی مانده باشد که او طوایف کوچ و بلوچ را مغلوب کرده و گروهی از آنان را

کوچاند، ای بسا عده‌ای از آنان را به این نواحی کوچانده باشد. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۳، ص ۴۱)

در کتاب گیلان، گیلان دارای هشت شهرستان بوده است که عبارت بوده است از رشت، بندر پهلوی، لاهیجان، رودسر، فومن، طالش، رودبار، آستارا که آستانه در اینجا یکی از بخش‌های شهرستان لاهیجان معرفی شده است. (کشاورز، ۱۳۴۷، ص ۷۸-۹۴)

رابینو نیز آستانه را چنین توصیف نموده است: «در ساحل شرقی سفیدرود مجاور چورکوچان و نیاکوه قرار دارد. این ناحیه را ظهیرالدین پلته آستانه Plata Astana نامیده که شاید اشتباهی از کلمه‌ی پيله آستانه باشد. می‌گویند که این قریه زمانی در ساحل چپ سفیدرود قرار داشته. شهرت آستانه بواسطه‌ی وجود مقبره‌ی حضرت سید جلال‌الدین اشرف است که این محل را برای مردم گیلان به صورت زیارتگاهی قابل احترام در آورده است. در فصل ابریشم زائران به سوی این زیارتگاه سرازیر می‌شوند و بازاری که در آستانه ساخته شده به عنوان منبع در آمدبزرگی مورد استفاده‌ی صاحبانش قرار می‌گیرد.» (رابینو، ۱۳۶۶، ص ۳۷۳-۳۷۲)

۱-۳-۲- موقعیت جغرافیایی :

«شهر آستانه‌ی اشرفیه مرکز شهرستان است که در تلفظ محلی به آن «پيله آسونه» می‌شود.

آستانه‌ی اشرفیه با مساحتی بالغ بر ۴۰۱ کیلومتر مربع در شرق استان گیلان واقع شده است و

طول جغرافیایی آن ۴۹ درجه و ۵۶ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی آن ۳۷ درجه و ۱۵ شمالی و مساحت شهر بیش از ۸ و کم ۲ است. آستانه ی اشرفیه در ۳۶ کیلومتری خاور رشت (مرکز استان) و ۷ کیلومتری شمال غربی لاهیجان قرار گرفته است.»
(فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۳، ص ۴۰ و ۳۶۹)



«کروکی ۱، کل شهر، از شهرداری آستانه اشرفیه»

آنچه در این تحقیق به عنوان نمادها و نشانه های شهری از آن صحبت می شود ، در دو مفهوم مورد بررسی قرار می گیرد : ۱. شکل ۲. کارکرد و کاربری بنابراین برای نیل به این هدف ، کار تحقیق را با تمرکز بر روی این دو نکته پی می گیریم:

(۱) شکل : این بخش شامل توصیف خصوصیات از افراد و اشیاء می باشد که ما به عنوان ناظر در آن پدیده ها مشاهده می کنیم که بیشتر شامل خصوصیات ظاهری آن ها می باشد .

۲) کارکرد و کاربری : اما تمامی مواردی که در مفهوم شکل به آن ها اشاره شد ، در کنار شکل ظاهری خود (آنچه که ناظر مشاهده می کند) دارای کارکردهایی نیز می باشند، این بدان معناست که این شکل و یا مجموعه ی این اشکال در کنار یکدیگر معنایی را ایجاد می کنند که نمی توان آن را جدای از این شکل یا اشکال دانست ، بلکه به عبارتی می توان گفت که روح و معنای جسم و ظاهر افراد و اشیاء می باشند .

۱-۴- اشکال شهر و کارکردهای آن :

تمرکز این تحقیق بر روی خیابان اصلی شهرستان آستانه اشرفیه می باشد که به تعبیر لینچ از آن به عنوان "راه" نام می بریم.

منظور ما در این تحقیق از خیابان اصلی ، در واقع از نقطه ای شروع می شود که ورودی آن به نوعی رو به مرکز استان گیلان ، شهرستان رشت دارد که این خیابان از دهستان کورکاء شهرستان می گذرد و در نهایت انتهای این خیابان به شهرستان لاهیجان ختم می شود.

اما ما در این خیابان چه اشکالی می بینیم؟
این اشکال عبارتند از :

• پل گُری (کورپی) :

«این پل در مدخل اصلی شهرستان آستانه ی اشرفیه از طرف جاده ی رشت به لاهیجان و در کنار پارک ساحلی واقع گشته است.

این پل از حساس ترین و استراتژیکترین پل های شرق گیلان محسوب می شد. زیرا تنها به وسیله ی این پل بود که شرق و غرب گیلان به هم متصل می گردید. اما امروز بر اثر احداث سه پل دیگر (پل بزرگ سفید رود ، پل چهارده ، پل بزرگ بندر کباشهر) از او برداشته شده است.

قدمت این پل باید مربوط به ابتدای حکومت پهلوی می باشد ، ساختمان این پل نیز از سیمان و آهن و فولاد است که دارای دوپایه و چهار ستونه و دو پایه ی بزرگ به قطر ۱۱/۳۰ سانتیمتر است.

طول تقریبی پل ۷۳ متر و ارتفاع آن از سطح آب رودخانه ی سفیدرود ۲۰ متر می باشد .
(فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۳، ص ۹۴ و ۹۵)

اینطور به نظر می رسد که گویا پیش از این ، پل دیگری وجود داشته است که بر اثر طغیان آب سفیدرود از میان رفت و هنوز کنار آن و پیرامون پل کُری اثرات آن به چشم می خورد.

پل به تعبیر لینچ لبه می باشد ، چرا که طبق تعریف وی لبه ، «عاملی خطی است که به دیده ی ناظر با "راه" تفاوت دارد. مرز بین دو قسمت ، شکافی ، در امتداد طول و بین دو قسمت پیوسته ی شهر، بریدگی که خطوط راه آهن در شهر بوجود می آورد، حد مجموعه ای ساختمانی و یا دیوار را می توان به عنوان مثال هایی از " لبه " در سیمای شهر ذکر کرد.» (لینچ ، ۱۳۷۴ ، ۹۱)

به عبارتی با قرارگیری «پل کرپی» بر رودخانه ی سفید رود نقش مهم آن را به عنوان لبه، در اتصال دهستان کورکاء و شروع فضای شهری (نقش ارتباط دهی دو محیط پیش و پس از رودخانه) را مشاهده می کنیم .

به عبارتی ترکیب پل و رودخانه نشانه ای را در شهر ایجاد می کند که این نشانه کاربری هایی را در شهر ایجاد نموده است:

۱. اتصال دو نقطه ی دهستان و شروع فضای شهری (قبل و بعد از پل)
۲. محل گذر افراد و حمل و نقل درون و برون شهری
۳. ایجاد اشتغال (صید و فروش ماهی)
۴. ایجاد فضایی برای پر کردن اوقات فراغت (شنا و ماهیگیری)
۵. شکل گیری فضای تفریحی در شهر (پارک ساحلی)

برای توضیح کاربری های این نشانه ی شهری می توان این چنین بیان داشت که زمانی که ما شهر را مشاهده می کنیم ، شاید بیشتر از هر چیز دیگر نقش پل بر روی رودخانه در اتصال دو نقطه که به وسیله ی رودخانه از هم جدا افتاده اند دیده می شود. همچنین این نشانه به نوعی حجم متوسطی از تجمع انسانی ، که این تجمع در شکل حمل و نقل (استفاده از ماشین و موتور و دوچرخه و کامیون های باری و...) و کسب و کار (صید و فروش ماهی) ، خود را نشان می دهد. به عبارت دیگر کاربری این نشانه در این می باشد که محلی می باشد که به نوعی محل تمرکز اجتماع انسانی و آنچه این اجتماع انسانی با خود به همراه دارد و فرآورده های آن (انسان و فعالیت هایش و آنچه حاصل این فعالیت ها می باشد) ، می شود.

به عبارتی ذکر نام « پل کرپی » یا « پل سفیدرود » ، نشانه ای است برای مردم که یاد آور یک منطقه ای از شهر می باشد که یاد آور تمامی آن فضاهایی است که در بالا به آن ها اشاره شد .

به طوری که دیده و شنیده شده است که مردم از این نقطه برای دادن آدرس نیز استفاده می کنند ، به عبارتی نشانه ای است بریکسری از فضاها در شهر .

ما انسان ها را در این نقطه بیشتر به دو صورت می بینیم:

دسته ی اول بیشتر شامل آن دسته از افراد می شود که با وسایل نقلیه در حال گذر هستند که معمولاً در بیشتر ساعات روز دیده می شوند و دسته ی دوم آن دسته از افراد می باشند که به کسب و کار (صید و فروش ماهی) ، تفریح (شنا ، ماهیگیری ، رفتن به پارک و...) ، عبور و مرور افراد (به صورت پیاده روی) می پردازند که معمولاً زمان حضور افراد

تحت تأثیر یکسری از عوامل می باشد : مثلاً ارتباط خاصی بین نوع فعالیت و ساعات روز وجود دارد یا بسته به اینکه در کدام فصل از سال قرار داریم و ... ، که البته در مورد اول نیز این عامل وجود دارد ، اما در مورد دوم حضور این مسأله را پررنگ تر می بینیم .

به عبارت دیگر ما در بیشتر ساعات روز عبور و مرور وسایل نقلیه را می بینیم ، اما در مورد تفریح یا کار ، ما افراد را در ساعات خاصی می بینیم .

همچنین شکل توقف افراد در این نقطه از خیابان بیشتر به سمت سایر فضاها می رود تا خود خیابان ، مثلاً افراد به داخل پارک می روند و یا در کنار رودخانه و یا در حال رد شدن از خیابان به سمت مقصد خود می باشند و توقف در خود خیابان نیست مگر توقفی کوتاه ملّت مثلاً برای خرید ماهی .

اما مشاهده می کنیم در ساعات خاصی مثلاً صبحگاه یا هنگام غروب پیاده روهای خیابان محلی برای پیاده روی افراد می شود که بیشتر هم به سمت پارک می باشد .

– ساختمان ها

به تدریج که از پل به سمت شهر حرکت می کنیم اشکال جالبی را مشاهده می کنیم :

۱. شکل ساختمان ها

۲. انواع ساختمان ها (این قسمت بیشتر بر اساس کارکرد ساختمان ها تعریف می شود .)

۱- شکل ساختمان ها :

در این قسمت یک نتیجه گیری کلی از آنچه که از خصوصیات ساختمان ها به دست آمد آورده می شود .

ساختمان ها به این اشکال دیده می شوند:

صرفاً مسکونی

صرفاً غیر مسکونی؛ شامل : اداری ، تجاری ، مذهبی ، آموزشی و فرهنگی ، تفریحی و ...

ترکیبی از دو شکل مسکونی و غیر مسکونی

ما در بسیاری از موارد ساختمان هایی با ترکیبی از این دو نوع را می توانیم مشاهده کنیم:

مثلاً ساختمان دوطبقه ای که طبقه ی بالا مسکونی و طبقه ی پایین محل کسب و کار و... می باشد. (در اکثر موارد طبقه ی بالا مسکونی می باشد.)

در مورد گزینه ی اول با توجه به مشاهدات باید گفته شود که به تعداد انگشت شمار خانه های موجود در خیابان اصلی به این شکل وجود دارند.

در مورد گزینه ی دوم بر طبق مشاهدات میزان آن ها بیشتر از گزینه ی نخست می باشد ، اما با گزینه سوم هم تفاوت های فاحشی از لحاظ تعداد دارند.

بیشتر ساختمان های مشاهده شده با آنچه که در گزینه ی سوم ذکر شد ، مطابقت دارد.

بر مبنای مشاهدات و تأملات آنچه به نظر می رسد دلیل اینکه ما بیشترین تعداد ساختمان ها را در گزینه ی سوم می بینیم این است که به نوعی این مسأله بر می گردد به کارکرد

خیابان اصلی به عنوان راه و محل گذر افراد ، و به ویژه در مورد افراد بیرونی (افراد ی که

به این شهر تعلق ندارند مانند مسافران ،رانندگان و...) ، به گونه ای که می توان گفت یکی

از دلایل اینکه ساختمان های موجود در خیابان اصلی دارای کارکردی دو گانه (مسکونی و

غیر مسکونی) به نوعی در ارتباط مستقیمی با نیاز انسان ها قرار می گیرد که ما در این جا

آن را به دو دسته تقسیم می کنیم:

نیازهای عام ؛ شامل آن دسته از نیازهایی می شود که عموم مردم به آن احتیاج دارند و

بیشتر به نیازهای اولیه مردم بر می گردد. مانند نیاز به مسکن (بنگاه های مسکن) ، نیاز

به خوراک (وجود نانوائی ، سوپرمارکت ها و...)، نیاز به امنیت (وجود پاسگاه ها و نیروی

انتظامی ، دفاتر بیمه و...) ، نیاز به بهداشت (انواع مطب های پزشکی ، داروخانه ها و...) ،

نیاز به وسایل حمل و نقل (بنگاه خرید و فروش و تعمیر انواع وسایل نقلیه) و غیره .

نیازهای خاص؛ شامل آن دسته از نیازهای ثانویه می شود که بیشتر هم به دلیل وجود

افراد بیرونی (افرادی که متعلق به این شهر خاص نیستند مانند مسافران ،رانندگان و...) می

باشد ، به عبارت دیگر بیشتر مورد استفاده ی این افراد قرار می گیرد .

مانند رستوران ها ، هتل ، مغازه های موقتی (قهوه خانه های سر راهی ، فروشگاه های صنایع دستی ، فروشگاه های محصولات محلی و...).

یک ویژگی شاخص این ساختمان ها ، شکل و جنس سقف آن می باشد شاید یکی از مواردی که برای افرادی که وارد این شهر می شوند جالب باشد ، شکل سقف ساختمان هاست . جنس سقف خانه ها چندین نوع می باشد: حلبی ، ایرانت ، سفالی (آنچه در قدیم رایج بوده است و امروزه تعداد انگشت شماری از آنان در خیابان اصلی شهر دیده می شود).

به دلیل شرایط آب وهوایی (هوای معتدل و بارندگی های فراوان در شهرهای شمالی کشور ایران) سقف اکثر ساختمان ها حالت شیروانی دارد و از جنس حلبی می باشد ، به نظر ما این مجموعه خود می تواند نشانه ای باشد که سبب شناخت و تمایز یک شهر شمالی از یک شهر جنوبی یا یک شهر در مرکز کشور شود.

۲- انواع ساختمان ها (بناها) :

ساختمان ها در اینجا بر اساس کارکرد و نقشی که دارند معرفی می شوند:

- بناهای مسکونی
- بناهای اداری
- بناهای اقتصادی و تجاری
- بناهای علمی و آموزشی
- بناهای فرهنگی
- بناهای زیارتی
- بناهای تفریحی

• فلکه ی کیشهر:

وجود میدان جمهوری اسلامی شاید نقطه ی دیگری باشد که نظر افراد را به خود جلب می کند ، از قدیم کشاورزان محصولات کدوی خود را به این نقطه می آوردند و می فروختند ، به همین دلیل امروزه دیگر این میدان با نام جمهوری به عنوان نشانه برای مردم عمل نمی کند بلکه با نام میدان کدو برای مردم این منطقه شناخته می شود.

به دلیل اینکه این میدان از چهار جهت به چهار نقطه راه دارد به نام یکی از این راه ها نامیده می شود مثلاً این میدان به دلیل اینکه راه به بخش کیشهر (از بخش های شهرستان آستانه اشرفیه) دارد ، فلکه ی کیشهر نامیده می شود.

بدین ترتیب فلکه ی کیشهر نشانه ای می شود برای اینکه افراد در صحبت ها و روابط در شهر از آن به عنوان نقطه ای یاد کنند مثلاً برای دادن آدرس از آن استفاده می کنند. مثلاً زمانی که می خواهند آدرس رستورانی که در حوالی میدان قرار دارد می گویند: " فلکه ی کیشهر - رستوران ..." در میان کلام مردم هیچ زمانی نامی از میدان جمهوری برده نمی شود .

• بازار :

واژه ی بازار که در پهلوی واکار بوده است ، از زبان فارسی به زبان های دیگر مانند پرتغالی وارد و از آن جا به زبان فرانسه راه یافت.
«در زبان فارسی بازار به عنوان اسم مکان به معنی محل خرید و فروش کالا است.
واژه ی بازار در ادبیات فارسی مفهومی وسیع و گسترده دارد و به معنی محل شلوغ و پرازدحام ؛ اعتبار و اهمیت اشخاص و غیره به کار می رفته است.» (سلطان زاده ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۱ و ۱۲)

در « فرهنگ نظام » آمده است که لفظ بازار مرکب از « با » به معنی خورش و « زار » به معنی جا و مکان است که در ابتدا مخصوص جای خورش و محل فروش اطعمه بود و سپس برای عموم کالاها استعمال شد.

آقای حسین سلطان زاده در کتاب بازار های ایرانی ، بازار ها را از لحاظ سلسله مراتب مکانی به پنج گروه تقسیم می کند که شامل بازار برون شهری ، بازار شهری ، بازار ناحیه ای ، بازار محله ای و بازار همسایگی می باشد.

در توضیح بازار شهری اینگونه آمده است که : " بازار شهری را می توان مهم ترین بازار هر شهر به شمار آورد ، حوزه ی کارکردی آن همه ی شهر را در بر می گرفت و افزون بر آن ، جنبه ای فرا شهری و منطقه ای نیز داشت ، زیرا تعدادی روستا در حوزه ی کارکردی هر شهر وجود داشت که هم برخی از صنایع و محصولات مازاد خود را به بازار شهری عرضه می کردند و هم برخی از کالا های مورد نیاز خود را از بازار شهری خریداری می کردند. " (سلطان زاده ، ۱۳۸۰ ، ص ۵۵)

بر طبق این توضیح می توان گفت که امروزه نیز بازار چنان گذشته همین کارکرد را دارا می باشد . همانطور که دقیقاً ما چنین ویژگی ای را به طور شاخص در بسیاری از بازارهای ایران و همچنین در بازار مورد بررسی در این تحقیق مشاهده می کنیم .

البته در شهرستان آستانه ی اشرفیه چهار مکان (جدای از بازارهای دهستان های آن) به عنوان بازار (بازار طاقی شماره ی ۱ ، بازار طاقی شماره ی ۲ «بازار پشت آب منبع» ، بازار بصیر ، بازار روز شماره ی ۲ «بازار جلالیه ») وجود دارد که در این تحقیق گزینه ی چهارم که در خیابان اصلی قرار دارد مورد بررسی قرار می گیرد .

یعنی ما در بازار جلالیه ی شهرستان آستانه اشرفیه حضور روستا و روستاییان را به شکل بارزی مشاهده می کنیم که در تقابل با شهر و شهری ها و به ویژه عرضه ی محصولات به همدیگر، در مجموع شکل خاصی را به بازار و شهر می دهند.

باید بگوییم که عناصری که در ارتباط با بازار وجود دارد و به عبارتی اجزای تشکیل دهنده ی پدیده ای به عنوان بازار، کارکرد بازار را تعیین می کند و در نتیجه سبب می شود که بازار به عنوان یک نشانه برای مردم شهر عمل کند.

این عناصر عبارتند از :

فضا و مکان بازار

زمان و بازار

انسان ها (فروشنندگان و خریداران و عابران) و بازار

۱- فضا و مکان بازار:

بازار جلالیه در خیابان امام خمینی (ره) واقع گشته و از بناهای شهرداری آستانه اشرفیه که در سال ۱۳۷۳ ه.ش در یک طبقه با ۲۰ باب مغازه با آجر و در ۵۰۰۰ متر مساحت تأسیس

یافته است که پس از بازسازی مجلد از رونق خوبی برخوردار است. (فقیه محمدی جلالی، ص ۲۲۵)

در اینجا زمانی که از فضایی به نام بازار صحبت می کنیم در واقع شامل دو بخش می شود:

بخش درونی و بخش بیرونی .

منظور از بخش درونی بازار، آن بخش از بازار می باشد که فضای درونی بازار را (

مجموعه ی مغازه ها و متعلقات آن) در بر می گیرد که دارای ویژگی های زیر می باشد:

۱. شکل رسمی دارد و همه ی افراد فروشنده (بازاریان) دارای حقوق معینی می باشند و

در نتیجه این افراد موظف به رعایت قوانینی می باشند . (بدلیل وجود صنف بازاریان)

۲. در برگیرنده ی افراد فروشنده تحت عنوان بازاری که محل کسب و کار آنان مغازه

هایی می باشد که شکل ثابتی دارند.

منظور از بخش بیرونی ، آن بخش از بازار می باشد که فضای بیرونی بازار را (فضای

خارج از خود مکان بازار که شامل پیاده روها و خیابان هایی می شود که در اطراف بازار

است.) در بر می گیرد که مشخصات آن :

۱. شکل غیر رسمی دارد ؛ به دلیل نبود قوانین و حقوقی برای افراد فروشنده

(دستفروشان دوره گردها) که در جایی ثبت شده باشد.

۲. در برگیرنده ی افرادی تحت عنوان دستفروشان و دوره گردان که محل کسب و کار

آنان می تواند دو شکل ثابت و متغیر داشته باشد.

البته محل کار متغیر کمتر از شکل ثابت دیده شده است.

یعنی با وجود اینکه دستفروشان همانند بازاریان صاحب مکانی همچون مغازه نمی باشند اما همان نقطه ای از پیاده رو یا خیابان را که به عنوان مکان کار خود انتخاب نموده اند معمولاً بیشتر در همان مکان به فعالیت می پردازند و کمتر تغییر مکان می دهند ، و مکان

متغیر بیشتر به افراد جدید اختصاص دارد. (طبق مشاهدات محقق ، مثلاً دستفروش
مشخصی در چند روز متفاوت در چندین مکان مختلف دیده شده است .)
محل کسب و کار :

محل فعالیت مردم در بازار شهر به چندین شکل وجود دارد :
الف) بازاریان معمولاً در یک فضای ساخته شده (مغازه ها) به کار می پردازند که در یک
مجموعه گرد هم آمده اند و بابت این مغازه ها مالیات می دهند یا این مغازه ها متعلق به
آن ها است و یا اینکه از شهرداری اجاره می کنند.
ب) دستفروشان که معمولاً بساط خود (کالا ها و محصولات) را بر روی چیزهایی از
قبیل روزنامه ، مشمع ، تخت ها و صندوق های چوبی و فلزی ، جعبه های چوبی ، کارتن
، کیسه و ... در پیاده روها قرار می دهند .

پ) دوره گردها هم که تعداد آن ها به نسبت دو گروه اول بسیار اندک می باشد از چرخ
ها یی فلزی و چوبی برای کار خود استفاده می کنند و معمولاً در خیابان به فعالیت می
پردازد و در مواردی هم جای ثابتی را برای خود انتخاب می کنند و در همان جا به کار
مشغول می شوند .

اما نکته ی قابل توجه در هر سه صورت مکانی که افراد برای محل فعالیت خود انتخاب نموده اند این است که شکل بازارها در ارتباط مستقیمی با شرایط اقلیمی قرار می گیرد . به دلیل اینکه آب و هوای شهرهای شمالی کشور معتدل می باشد و در اکثر اوقات سال دارای هوای بارانی می باشد ، بنابراین فروشندگان (بازاریان ، دستفروشان و دوره گردها) محل فعالیت خود را جهت حفاظت از کالاها و محصولات خود به گونه ای مجهز می سازند .

که در روند این کار آنچه که در نتیجه حاصل می شود این مسأله است که نوع تجهیز مکان فعالیت شکل خاصی به آن می دهد که سبب تمایز آن از سایر شهرها مثلاً یک شهر در مرکز یا جنوب کشور و ... می گردد.

تجهیز را به این اشکال می بینیم :

در مورد مغازه ها که به بازاریان تعلق دارد از نوع سقف متوجه می شویم، در مورد دستفروشان مشاهده می کنیم که آنان از مشمع هایی استفاده می کنند که در واقع در نقطه ی که هستند آن را به شکل سقف در می آورند و هم در مورد دستفروشان و هم دوره گردان می بینیم که آن ها از چترهایی رنگی که حالت سیار دارد جهت این کار استفاده می کنند.

به طور کلی ، این اشکال سبب می شود شکل مکان کار بازار به نوعی ، خاص بشود .

۲- زمان و بازار

ما مفهوم زمان را در دو دسته قرار می دهیم:

بر اساس زمان تشکیل بازار
تأثیر زمان بازار بر شهر (این قسمت بیشتر بر کارکرد بازار تأکید دارد.)

۲-۱- زمان تشکیل بازار:

در کتاب بازارهای ایرانی ، بازارها از نظر زمان تشکیل ، به سه گونه تقسیم شده اند :
«بازارهای دائمی : بازار هایی که به صورت ثابت و در طول سال تشکیل می شد.
بازارهای ادواری : بازار هایی که به صورت ادواری و دوره ای تشکیل می شدند که هفته بازارها ، بازارهای سالانه از انواع اینگونه بازارها بودند.
بازارهای کوتاه مدت : بازار هایی که به مناسبت نوع محصولاتی که در آن عرضه می شد در مدت کوتاهی از روز تشکیل می شد.» (سلطان زاده ، ۱۳۸۰ ، ص ۳۸ و ۳۹)
اما آنچه در مورد بازارمورد مطالعه باید گفته شود اینست که ، بازارجلالیه به نوعی ترکیبی از این سه نوع بازار است به دلایل زیر :
بازاری دائمی است ؛ از این جهت که درطول سال و به صورت ثابت برقرار است که این گونه بیشتر دربرگیرنده بازاریان می باشد .
بازاری ادواری است ؛ به دلیل اینکه از جمله بازارهای هفتگی است که در روزهای دوشنبه و پنج شنبه دایر می باشد و در این گونه از بازار ما حضور بازاریان و دستفروشان را با همدیگر داریم .

بازاری کوتاه مدت است؛ این گونه از بازارها به نوعی بیشتر در برگیرنده ی دستفروشان و برخی دوره گردان می باشد، به دلیل نوع محصولی که می فروشند مانند محصولات محلی (سبزیجات، تخم مرغ ...).

۲-۲- تأثیر زمان بازار بر شهر:

بازار از صبح زود تا تقریباً اواخر شب برقرار است که در طی این زمان تغییراتی را در شهر مشاهده می کنیم. یکی از نقاط شهر که ما بیشترین تجمع انسانی را در آن مشاهده می کنیم بازار می باشد.

به عبارتی این تجمع انسانی از محدوده ی بازار شروع می شود و تا نقطه ی مهم دیگر در شهر یعنی حرم آقا سید جلال الدین اشرف وجود دارد.

این تجمع انسانی شامل حضور خود افراد در دو شکل افرادی که در پیاده روها هستند (فروشنندگان و خریداران، عابران) و افرادی که با وسایل نقلیه (ایجاد ترافیک) می باشد.

تجمع فروشنندگان بیشتر بر می گردد به دستفروشان که بساط خود را و در برخی موارد بازاریانی که مقداری از محصولات خود را، در پیاده روها قرار می دهند.

گروهی از خریداران هم به دلیل اینکه در بسیاری از موارد به دلیل قیمت خوب و ارزان محصولاتی که دستفروشان می فروشند و از طرف دیگر گروهی از خریداران هم به دلیل نداشتن وضعیت مالی مناسب مجبورند وقت زیادی را صرف چانه زدن برای تخفیف قیمت کالاها صرف کنند و یا اینکه تنها به دیدن محصولات و کالاها اکتفا نمایند که این عوامل همگی خود از دلایل تجمع خریداران می باشد.

برخی از عابران به دلیل اینکه این بازدید از محصولات دستفروشان برای آنان نوعی سرگرمی محسوب می شود و برخی دیگر به دلایل دیگر مانند اینکه بازار را به عنوان محل قرار و ملاقات خود انتخاب می نمایند و یا اینکه مثلاً به یک نقطه ی دیگری از شهر یا بیرون از شهر بروند و یا ... ، که این مورد بیشتر در مورد افراد نوجوان و جوان صدق می کند که این مورد بر اساس مجموعه ای از دیده ها و شنیده ها در این تحقیق بیان می شود .

در فاصله ی زمانی بین عصر تا حدود یک تا دو ساعت بعد از غروب آفتاب در روزهای بازار (دوشنبه و پنجشنبه) پیاده روهای خیابان بسیار شلوغ می باشد (البته این ساعات درمورد فصول بهار و تابستان بیشتر صدق می کند) ، به طوری که رفت و آمد بسیار دشوار می گردد و برخی از افراد برای آنکه حریمشان حفظ شود و از بسیاری از پیامدهای منفی این تراکم جمعیت از قبیل دزدی وسایلشان ، به ویژه در مورد خانم ها اینکه از کارهای منفی اخلاق و عفت و ... ، در امان باشند کناره های خیابان را به پیاده روها ترجیح می دهند و گاه همین مسأله سبب مشکلاتی در خیابان اصلی شهر می گردد که ایجاد اختلال در مسیر عبور و مرور وسایل نقلیه ، تصادف و ... در نتیجه سبب بی نظمی در شهر می گردد .

به عبارت دیگر در روزهای بازار ، در خیابان اصلی در فاصله ی دو مکان (از بازار تا محدوده ی حرم و کمی بعد از آن) ، این تجمع انسانی بیشتر از هر نقطه ی دیگری در شهر مشاهده می شود .

در ابتدای صبح و آخر شب می توان گفت کمترین میزان تجمع انسانی دیده می شود . در صبح بیشتر خانم ها برای خرید مشاهده شده اند و در عصرها علاوه بر خانم ها با فرزندانیشان ، بیشتر زوج های جوان ، دختران و پسران نوجوان و جوان روستایی و شهری دیده می شوند . (بر طبق مشاهدات)

به عبارتی وجود پیاده روهای باریک در شهر به نسبت تعداد جمعیت کنونی شهر و نیاز این افراد به فضایی برای رفع نیازهای اولیه (تهیه خوراک ، پوشاک و ...) و نیازهای ثانویه (مثلاً برای گذراندن اوقات فراغت و ...) همگی این عوامل دست به دست می دهد تا بتوان برای ساختار شهر و انسان هایی که در این فضا زندگی می کنند برنامه ریزی بهتری کرد و با ایجاد فضاهای جدید و مورد نیاز افراد گام هایی در جهت رفع این مشکلات و نیازها برداشت.

۳- انسان ها (فروشنندگان و خریداران) و بازار

فروشنندگان و خریداران در بازار شامل زنان و مردانی از گروه های سنی مختلف می باشند .
اما یکسری از ویژگی ها وجود دارد که این انسان ها را از سایر انسان ها در نقاط دیگر متمایز می کند:

۳-۱- زبان و لهجه :

به طور کلی لهجه ی مردم گیلان از نام ساکنان بومی این سرزمین گرفته شده و به گیلکی (یکی از شعب زبان پهلوی) مشهور است .

گویش گیلکی سرشار از لهجه هاست ، به طور مثال در شهرهای مختلف استان گیلان ، تعداد بی شماری از لهجه ها را می توان مشاهده نمود ، به طوری که اهالی با وجود مراودت معمولی و همجواری منظور یکدیگر را به دشواری متوجه می شوند . مثلاً برای رشتی درک لهجه ی لاهیجی یا آستانه ای دشوار است و بالعکس ، در حالی که این دو شهر حدود ۴۳ کیلومتر از هم فاصله دارند.

ما این تنوع لهجه ها را به طور بارزی مشاهده می کنیم از طریق :

۱. گفتگوی افراد با یکدیگر

۲. نوع بیان کلمات و جملات جهت اعلام و تبلیغ محصولات توسط فروشندگان (به ویژه دستفروشان)

زمانی که مسیر بازار را طی می کنید ، صداهای زیادی وجود دارد که توجه شما را جلب می کند ، سر و صدای وسایل نقلیه ، صدای زن و مرد ، کودک و بزرگسال که با یکدیگر مشغول گفتگو می باشند .

اما به نسبت تمامی این اصوات ، صدای دستفروشان به نحوی خاص به گوش می رسد ، چون با صدای بلندی از خریداران و عابران دعوت می کنند که از وسایل آنان دیدن و خریداری کنند.

البته این فروشندگان هم به زبان فارسی و هم به لهجه ی گیلکی (لهجه ی آستانه ای و لهجه ی روستاهای آن و ...) این کار را انجام می دهند .

گاهی دانستن زبان و لهجه گیلکی می تواند در بسیاری از مواقع کارکرد ویژه ای داشته باشد ؛ مثلاً وقتی سوار ماشین می شوید و بخواهید با زبان فارسی صحبت کنید ، گاهی

دیده شده که رانندگان چون فرد را نمی شناسند و همچنین به علت اینکه لهجه ی گیلکی ندارد ، در گرفتن کرایه ، قانون را زیر پا می گذارند و یا در بازار جنس را گرانتر به شما می دهند یا حداقل تخفیفی نمی دهند.
(البته این موارد بسیاری دیده شده است ولی نمی توان این مسأله را نسبت به همگان عمومیت داد .)

۳-۲- پوشاک :

در مورد پوشاک آنچه که مشاهده شده است را اینطور می توان تحلیل نمود که :
مسأله ی پوشاک مانند خوراک از جمله مواردی است که با شرایط اقلیمی در ارتباط مستقیم می باشد .
به طور کلی، با توجه به اینکه میزان بارندگی و درجه ی سردی هوا در استان گیلان بسیار بالا می باشد ، به طوری که میزان باران سالیانه در آستانه اشرفیه بطور متوسط ۱۵۰۰ میلی

متر است ، لذا مردم نیز تحت تأثیر این شرایط آب و هوایی پوشش مناسب خود را انتخاب می کنند ، که به دو دسته تقسیم می شود :

پوشش عام : پوششی که در مردم شهرهای دیگر نیز از آن استفاده می کنند. مثلاً در مورد خانم ها ؛ چادر سیاه ، مانتو و شلوار با روسری یا مقنعه ، در مورد آقایان ؛ بلوز و شلوار ، کت و شلوار و ...

پوشش خاص : پوشش و به عبارت بهتر شکل پوششی که خاص مردم این منطقه (شمال کشور) می باشد و در شهرهای دیگر کشور یا مشاهده نمی شود یا اگر هم مشاهده شود به شکل گسترده مورد استفاده نیست و در واقع نشانه ای می شود که ما از طریق آن به این نکته می توانیم دست یابیم که یک شهر شمالی دارای چنین ویژگی ای می باشد و همین ویژگی سبب خاص بودن آن می گردد .

مثلاً در مورد خانم ها ؛ این خاص بودن از نظر نوع بستن روسری یا چادر، رنگ چادر و ... در مورد آقایان ؛ گذاشتن کلاه یا پوشیدن چکمه و ... خود را نشان می دهد .

۳-۳- نوع محصولات مورد مبادله:

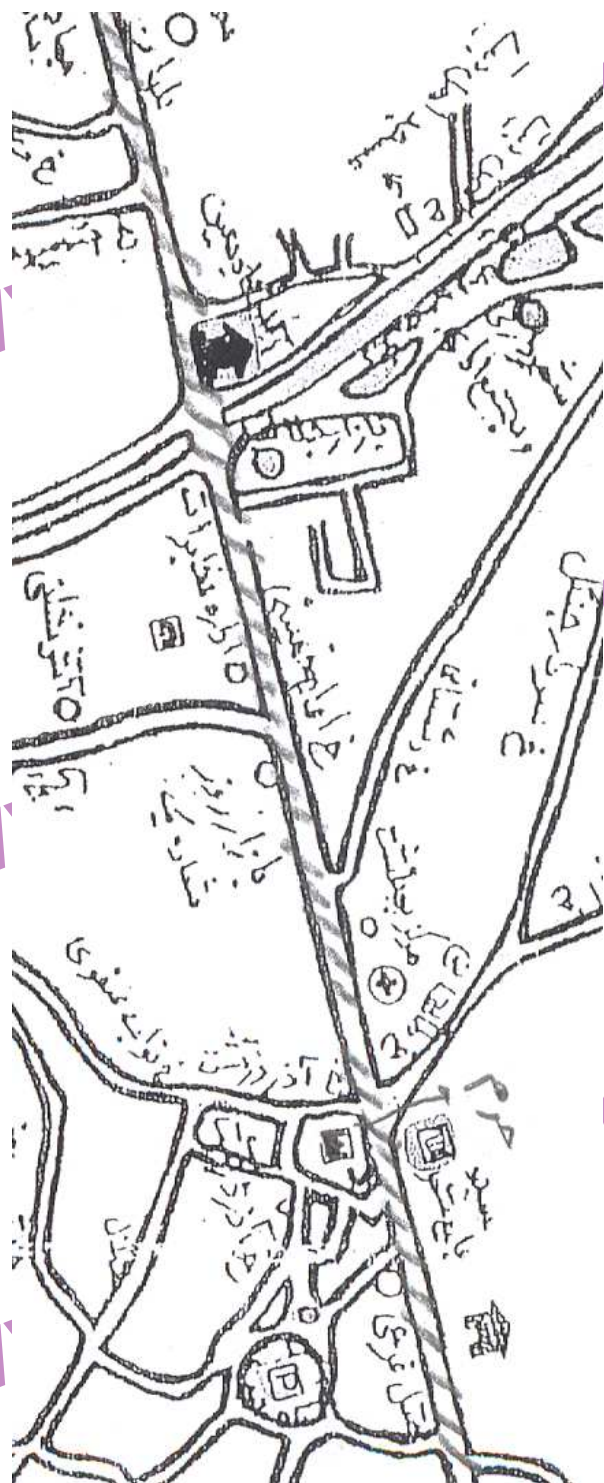
محصولاتی که در بازار جلالیه ی شهرستان آستانه اشرفیه مورد مبادله قرار می گیرند بر دو دسته اند :

۱. محلی : بیشتر شامل خوراک می باشد از قبیل : برنج ، نان محلی ، سبزیجات و میوه های محلی ، انواع ترشیجات ، تخم مرغ محلی و ماهی تازه صید شده از دریا ...
۲. غیر محلی : شامل خوراک ، پوشاک ، وسایل تزئینی ، انواع ظروف ، اسباب بازی ، ... می باشد .

می توان گفت که هم بازاریان و هم دستفروشان به فروش محصولات در هر دو دسته می پردازند ، اما دوره گردان بیشتر به فروش محصولات محلی می پردازند .

نتیجه ای که از این بخش حاصل می شود را می توان به اینصورت بیان نمود که با تأثیری که مکان و زمان و انسان ها (به عنوان عناصری که با بازار در ارتباط هستند و به نوعی در نهایت از اجتماع آن ها پدیده ای به عنوان بازار شکل می گیرد) در شهر می گذارند ، سبب می شود که بازار در این شهر به عنوان نشانه ای عمل کند که کارکردهای خاصی نیز داشته باشد که حاصل تأثیر متقابل این عناصر (مکان و زمان و انسان) بر روی یکدیگر می باشد .

آنچه که از این مطالب نتیجه گیری می شود اینست که در فاصله ی دو نقطه ی اقتصادی و مذهبی ، ما حضور انسان ها را در این شهر به طور مشخصی مشاهده می کنیم ، به عبارت دیگر آنچه به نظر می آید اینست که همواره مردم به دنبال رفع نیازهای خود می باشند و بدین ترتیب در این تحقیق رفع نیاز مادی مردم را به بازار و رفع نیازهای معنوی آنان را به مسجد و زیارتگاه و مسجد (حرم آقا سید جلال الدین اشرف و مسجد جامع) می کشاند و در نتیجه تجمع انسانی در مکان های مختلف ارتباط مستقیمی با نیازها و رفع نیازهای آنان دارد .



• حرم آقا سید جلال الدین اشرف :

این مکان مذهبی به همراه مسجدی که در نقطه ی مقابل خود دارد (مسجد جامع) ، به نوعی قطب مذهبی شهر را در قسمت مرکز شهر تشکیل داده است .

این مکان مذهبی و ، به نوعی قطب مذهبی شهر را در قسمت مرکز شهر تشکیل داده اند .

البته در کنار این موقعیت مذهبی ما میدان را هم داریم که مجموعه ی این ها در کنار خود چند پاساژ هم وجود دارد و یک موقعیت کسب و کار را هم برای افراد به وجود آورده است.

۱- مسجد جامع:

«در طبقه ی همکف مسجد جامع واقع شده است که به طول ۲۵ و عرض ۱۲ متر و دارای سه در ورودی می باشد. در اصلی آن روبروی حرم، در شرقی آن نزدیک حمام حاج رحیم پور و در کوچکی که به کتابخانه و جهت غربی مسجد، باز می گردد. طبقه ی دوم و سوم مسجد نیز، مدرسه ی علمیه ی جلالیه و کتابخانه ی آیت الله وحید احداث شده است. نماز جماعت شهر در این مکان انجام می شود.» (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵ و ۱۶۶)

۲- حرم آقا سید جلال الدین اشرف:

بقعه ی مزبور را منتسب به آقا سید حسن یا ابراهیم ، معروف به سلطان سید جلال الدین اشرف ، فرزند امام موسی کاظم (ع) و برادر تنی حضرت امام رضا می دانند. این قضیه را می توانیم در شهر به این شکل مشاهده کنیم ، زمانیکه زائرینی که از شهرستان قصد زیارت حرم امام رضا (ع) را دارند ابتدا به زیارت آقا سید جلال الدین اشرف آمده و سپس راهی شهر مشهد می شوند. («رابینو» بنای اولیه ی حرم آقا سید جلال الدین اشرف را در سال ۳۱۱ ه.ق می داند . بنای اصلی بقعه به شکل مربع به ابعاد ۷۶۰ سانتیمتر است و در چهار جهت اصلی ، چهار ورودی دارد . در شرقی به ایوان و کفش داری ، در جنوبی به مسجد و حسینیه ، در غربی به مسجد زنانه و در شمالی به مسجدی دیگر باز می شود .) (فقیه محمدی جلالی ، ۱۳۸۳ ، ص ۳۴ و ۳۵)

نمای گنبد و گلدسته از کاشی های سبز و در جلوی حرم مطهر ایوان بزرگی است . در دو سوی ایوان را دو کفشداری مخصوص زنان و مردان دارد. در ورودی حرم بسیار زیبا و منبت کاری است و اشعاری در مدح امام زاده بر آن قلمزنی و حک شده است .

۲-۱- کارکردهای حرم

حرم ، این قطب مذهبی در شهر دارای کارکردهایی می باشد :

محل زیارت و عبادت

ایجاد فضایی برای کسب معاش

محل برای اجرای مراسم ها

محل قرار ملاقات افراد

ا- محل زیارت و عبادت :

این مکان از سال های بسیار دور محل تجمع افراد انسانی بوده و است.

مرد و زن و پیر و جوان و کودک، کسانی هستند که به این مکان می آیند. افراد برای برآوردن حاجات خود و راز و نیاز با خدا و کسب آرامش این فضا را انتخاب می نمایند.

معمولاً در روزهای معمولی افراد خود شهر (شهری ها) و در روزهای بازار (دوشنبه و پنج شنبه) علاوه بر شهری ها، از روستاهای اطراف و همچنین در روزهای آخر هفته (پنج شنبه و جمعه) علاوه بر جمعیتی که ذکر شد از شهرهای همجوار و همچنین از شهرستان های استان های مجاور استان گیلان جهت زیارت و عبادت، این مکان زیارتی را انتخاب می نمایند.

ب- ایجاد فضایی برای کسب معاش:

یکی از کارکردهای مهم این قطب مذهبی، فراهم کردن فضایی برای اهالی شهر جهت کسب و کار و امرار معاش می باشد.

در قدیم در مکانی که اکنون مسجد جامع قرار داشت یک فضایی با همین کاربرد وجود داشت که پس از سانحه ی آتش سوزی جای آن به پشت حرم انتقال یافت که به نوعی از قدیمی ترین بازارها می باشد.

بازار طاقی شماره ی ۲ که در قدیم به دلیل وجود منابع آب آشامیدنی در پشت حرم، نام بازار پشت آب منبع را نیز با خود به همراه دارد و افراد محلی بازار را به همین نام می خوانند، معمولاً در پنج شنبه و جمعه ها به دلیل آنکه افراد زیادی از خارج شهر به آستانه ی اشرافیه جهت زیارت به حرم می آیند جمعیت بیشتری را در خود گرد می آورد و از لحاظ اقتصادی کمک خوبی برای افراد بازاری و دستفروشان و دوره گردان ایجاد می نماید.

شاید امروزه بازار طاقی کاربرد قدیمش را آنچنان نداشته باشد، بلکه وجود دستفروشان در (خیابان استقلال)، خیابانی که این بازار طاقی در آن قرار دارد، رونق و شور خاصی

به فضای بازار می دهد و به نظر کار دستفروشان بسیار بیشتر از مغازه داران می باشد ، به دلیل اینکه درباره ی آنان هیچ قانون و حقوقی وجود ندارد و چون آنان مالیات یا اجاره ای پرداخت نمی کنند ، محصولات و کالاهایی که عرضه می کنند ارزان تر از مغازه می باشد و به همین دلیل افراد بیشتر استقبال می کنند.
(چون این بازار در پشت حرم می باشد و واقع در خیابان اصلی نمی باشد ، ما به همین مقدار توضیح کفایت می کنیم .)

ت- محلی برای اجرای مراسم ها :

معمولاً جهت برگزاری مراسم ختم و به ویژه مراسم روزهای عاشورا و در ماه های محرم و صفر و رمضان و مراسم هایی چون برگزاری ادعیه ی مذهبی و مراسمی که به اصطلاح افراد محلی سفره هایی که برای ادای نذر برآورده شده می گذارند مانند سفره ی ابوالفضل و ... (که البته این مورد در سالهای گذشته، بیشتر وجود داشته و امروزه بیشتر در خانه ها برگزار می گردد) ، انجام می شود .

ث- محل قرار ملاقات افراد :

به دلیل کمبود فضاهای تفریحی و اماکنی که افراد بتوانند در آن اوقات خود را به سر برند (ناامنی پارک ، نبود سینما و ...) ، برخی افراد ساعاتی را بعد از زیارت در این مکان سپری می کنند و به بحث و تبادل افکار و ... می پردازند .

همچنین متأسفانه واقعیت دیگری وجود دارد ، بر طبق گفته های افراد محلی در ساعاتی از روز این مکان ، محلی برای قرار ملاقات افراد فاسد شهر و همچنین مکان قرار ملاقات برخی از جوانان این شهر (در قالب نقش هایی با اصطلاح دوست دختر - دوست پسر) که این مکان را برای ملاقات یکدیگر انتخاب می کنند و حتی از فضای پشت حرم (کوچه هایی که در اطراف حرم وجود دارد) و ... برای این کار نیز استفاده می کنند . آنچه از این بخش نتیجه گیری می شود اینست که آنچه افراد درونی و بیرونی به عنوان ناظر یک مکان (مثلاً در اینجا مکان مذهبی) را مشاهده می کنند و کارکرد خاصی را از آن انتظار دارند

اولاً با یکدیگر متفاوت است ، ثانیاً کارکرد یک مکان تنها به همان کارکردی که افراد فکر می کنند محدود نمی شود بلکه آن مکان می تواند کارکردهای پنهانی نیز داشته باشد که تنها برای مردم همان شهر معنادار است .

که البته گاه حتی برای تمامی افراد درونی شهر نیز شناخته شده نمی باشد . مثلاً در مورد فضای حرم ، نشستن در قسمت هایی از این مکان از دید افراد درونی (اهالی شهر)

ناپسندیده است ، به دلیل فضا و محیط خاصی که در بالا توضیحات آن داده شد.

یعنی نشستن در آن فضا به این معنی است که ممکن است شما را همردیف افراد فاسد و همان جوانانی قرار بدهند که قصد قرار ملاقات دارید و دید خوبی نسبت به این فرد نخواهند داشت .

البته نشستن به همراه خانواده و ... ، اصلاً چنین معنایی را نمی رساند و کار ناپسندی به شمار نمی آید.

چنین مسأله ای برای افراد بیرونی به هیچ وجه روشن نیست و ممکن است وقتی وارد شهر بشوند و این حرکت را انجام بدهند ، با برخوردهای متفاوتی از سوی افراد مواجه شوند و ممکن است حتی هیچ موقع هم از این موضوع آگاهی پیدا نکنند .

از فاصله ی بعد از حرم مطهر تا محدوده ی آخر شهر که به میدان امام حسین می رسد و باز وارد محیط دهستان می شویم ، مثل آنچه که در ورودی شهر ملاحظه کردیم (دهستان کورکاء) به سمت شهرستان لاهیجان می رویم چندین نکته مشاهده می شود:

۱. تعداد افراد انسانی به مراتب نسبت به دو نقطه ی مذهبی (حرم) و اقتصادی (بازار) کمتر می شود .

۲. در این قسمت شهر بیشتر مغازه ها کالاهایی را می فروشند که شامل محصولات مهم شهر و استان می باشد. (برنج ، بادام زمینی ، کلوچه ، چای و ...)

۳. به دلیل اینکه به مرز دو شهر نزدیک می شویم ، فضا بیشتر طوری است که بیشتر جهت رفاه افراد بیرونی به ویژه مسافران قرار می گیرد .

۲- یافته های پژوهش :

در این تحقیق قصد آن داریم در مورد نشانه های شهری در خیابان اصلی شهرستان آستانه ی اشرفیه

کار کنیم ، اینکه بینیم :

۱. نمادها و نشانه ها به چه اشکالی در شهر وجود دارد ؟

۲. نشانه های شهری دارای چه کارکردهایی در شهر می باشند؟

۳. چگونه نمادها و نشانه ها در شهرستان آستانه اشرفیه نشان می دهند محیطی که

ما از آن صحبت می کنیم یک شهر (شهر شمالی) است؟

۲-۱- پرسش نخست

پرسش نخست: نمادها و نشانه ها به چه اشکالی در شهر وجود دارد؟

این اشکال عبارتند از یکسری فضاها در شهر:

• پل کُری (کوری):

به عبارتی با قرارگیری «پل کُری» بر رودخانه ی سفید رود نقش مهم آن را به عنوان لبه، در اتصال دهستان کورکاء و شروع فضای شهری (نقش ارتباط دهی دو محیط پیش و پس از رودخانه) را مشاهده می کنیم.

ما انسان ها را در این نقطه بیشتر به دو شکل می بینیم:

دسته ی اول بیشتر شامل آن دسته از افراد می شود که با وسایل نقلیه در حال گذر هستند که معمولاً در بیشتر ساعات روز دیده می شوند و دسته ی دوم آن دسته از افراد می باشند که به کسب و کار (صید و فروش ماهی)، تفریح (شنا، ماهیگیری، رفتن به پارک و...)، عبور و مرور افراد (به صورت پیاده روی) می پردازند که معمولاً زمان حضور افراد

تحت تأثیر یکسری از عوامل می باشد: مثلاً ارتباط خاصی بین نوع فعالیت و ساعات روز وجود دارد یا بسته به اینکه در کدام فصل از سال قرار داریم و...، که البته در مورد اول نیز این عامل وجود دارد، اما در مورد دوم حضور این مسأله را پررنگ تر می بینیم.

به عبارت دیگر ما در بیشتر ساعات روز عبور و مرور وسایل نقلیه را می بینیم، اما در مورد تفریح یا کار، ما افراد را در ساعات خاصی می بینیم:

همچنین شکل توقف افراد در این نقطه از خیابان بیشتر به سمت سایر فضاها می رود تا خود خیابان ، مثلاً افراد به داخل پارک می روند و یا در کنار رودخانه و یا در حال رد شدن از خیابان به سمت مقصد خود می باشند و توقف در خود خیابان نیست مگر توقفی کوتاه مدت مثلاً برای خرید ماهی.

اما مشاهده می کنیم در ساعات خاصی مثلاً صبحگاه یا هنگام غروب پیاده روهای خیابان محلی برای پیاده روی افراد می شود که بیشتر هم به سمت پارک می باشد .

به تدریج که از پل به سمت شهر حرکت می کنیم اشکال جالبی را مشاهده می کنیم :

۱. شکل ساختمان ها

۲. انواع ساختمان ها (این قسمت بیشتر بر اساس کارکرد ساختمان ها تعریف می شود .)

● شکل ساختمان ها :

در این قسمت یک نتیجه گیری کلی از آنچه که از خصوصیات ساختمان ها به دست آمد آورده می شود .

ساختمان ها به این اشکال دیده می شوند:

صرفاً مسکونی

صرفاً غیر مسکونی؛ شامل : اداری ، تجاری ، مذهبی ، آموزشی و فرهنگی ، تفریحی و ...

ترکیبی از دو شکل مسکونی و غیر مسکونی

ما در بسیاری از موارد ساختمان هایی با ترکیبی از این دو نوع را می توانیم مشاهده کنیم:

مثلاً ساختمان دو طبقه ای که طبقه ی بالا مسکونی و طبقه ی پایین محل کسب و کار و ...

می باشد. (در اکثر موارد طبقه ی بالا مسکونی می باشد.)

در مورد گزینه ی اول با توجه به مشاهدات باید گفته شود که به تعداد انگشت شمار خانه

های موجود در خیابان اصلی به این شکل وجود دارند.

در مورد گزینه ی دوم بر طبق مشاهدات میزان آن ها بیشتر از گزینه ی نخست می باشد ، اما با گزینه سوم هم تفاوت های فاحشی از لحاظ تعداد دارند.

یک ویژگی شاخص این ساختمان ها، شکل و جنس سقف آن می باشد سقف خانه ها حالت شیروانی دارد و جنس آن در چندین نوع مشاهده شده است : حلبی ، ایرانت ، سفالی (آنچه در قدیم رایج بوده است و امروزه تعداد انگشت شماری از آنان در خیابان اصلی شهر دیده می شود).

• فلکه ی کياشهر :

به دلیل اینکه میدان جمهوری از چهار جهت به چهار نقطه راه دارد به نام یکی از این راه ها نامیده

می شود مثلاً این میدان به دلیل اینکه راه به بخش کياشهر (از بخش های شهرستان آستانه اشرفیه) دارد ، فلکه ی کياشهر نامیده می شود.

• بازار :

بازار در شهرستان آستانه ی اشرفیه چهار مکان (جدای از بازار دهستان های آن) به عنوان بازار (بازار طاقی شماره ی ۱ ، بازار طاقی شماره ی ۲ «بازار پشت آب منبع» ، بازار بصیر ، بازار روز شماره ی ۲ «بازار جلالیه ») وجود دارد که در این تحقیق گزینه ی چهارم که در خیابان اصلی قرار دارد مورد بررسی قرار می گیرد .

یعنی ما در بازار جلالیه ی شهرستان آستانه اشرفیه حضور روستا و روستاییان را به شکل بارزی مشاهده می کنیم که در تقابل با شهر و شهری ها و به ویژه عرضه ی محصولات به همدیگر، در مجموع شکل خاصی را به بازار و شهر می دهند. اشکالی که در ارتباط با فضای بازار مطرح می شوند ، این عناصر می باشند :

فضا و مکان بازار

زمان و بازار

انسان ها (فروشنندگان و خریداران و عابران) و بازار

فضا و مکان بازار:

در اینجا زمانی که از فضایی به نام بازار صحبت می کنیم در واقع شامل دو بخش می شود:

بخش درونی و بخش بیرونی .

منظور از بخش درونی بازار، آن بخش از بازار می باشد که فضای درونی بازار را (مجموعه ی مغازه ها و متعلقات آن) در بر می گیرد که در برگیرنده ی افراد فروشنده تحت عنوان بازاری که محل کسب و کار آنان مغازه هایی می باشد که شکل ثابتی دارند. منظور از بخش بیرونی ، آن بخش از بازار می باشد که فضای بیرونی بازار را (فضای خارج از خود مکان بازار که شامل پیاده روها و خیابان هایی می شود که در اطراف بازار است.) در بر می گیرد که در برگیرنده ی افرادی تحت عنوان دستفروشان و دوره گردان که محل کسب و کار آنان می تواند دو شکل ثابت و متغیر داشته باشد.

البته محل کار متغیر کمتر از شکل ثابت دیده شده است.

یعنی با وجود اینکه دستفروشان همانند بازاریان صاحب مکانی همچون مغازه نمی باشند اما همان نقطه ای از پیاده رو یا خیابان را که به عنوان مکان کار خود انتخاب نموده اند معمولاً بیشتر در همان مکان به فعالیت می پردازند و کمتر تغییر مکان می دهند ، و مکان متغیر بیشتر به افراد جدید اختصاص دارد (طبق مشاهدات محقق ، مثلاً دستفروش مشخصی در چند روز متفاوت در چندین مکان مختلف دیده شده است .)

محل کسب و کار :

محل فعالیت مردم در بازار شهر به چندین شکل وجود دارد :

الف) بازاریان معمولاً در یک فضای ساخته شده (مغازه ها) به کار می پردازند که در یک مجموعه گرد هم آمده اند و بابت این مغازه ها مالیات می دهند یا این مغازه ها متعلق به آن ها است و یا اینکه از شهرداری اجاره می کنند.

ب) دستفروشان که معمولاً بساط خود (کالاها و محصولات) را بر روی چیزهایی از قبیل روزنامه، مشمع، تخت ها و صندلی های چوبی و فلزی، جعبه های چوبی، کارتن، کیسه و... در پیاده روها قرار می دهند.

پ) دوره گردها هم که تعداد آن ها به نسبت دو گروه اول بسیار اندک می باشد از چرخ های فلزی و چوبی برای کار خود استفاده می کنند و معمولاً در خیابان به فعالیت می پردازد و در مواردی هم جای ثابتی را برای خود انتخاب می کنند و در همان جا به کار مشغول می شوند.

تجهیز محل کار را به این اشکال می بینیم:

در مورد مغازه ها که به بازاریان تعلق دارد از نوع سقف متوجه می شویم، در مورد دستفروشان مشاهده می کنیم که آنان از مشمع هایی استفاده می کنند که در واقع در نقطه ای که هستند آن را به شکل سقف در می آورند و هم در مورد دستفروشان و هم دوره گردان می بینیم که آن ها از چترهایی رنگی که حالت سیار دارد جهت این کار استفاده می کنند.

زمان و بازار :

ما مفهوم زمان را در دو دسته قرار می دهیم:

بر اساس زمان تشکیل بازار

تأثیر زمان بازار بر شهر (این قسمت بیشتر بر کارکرد بازار تأکید دارد.)

۱. زمان تشکیل بازار:

آنچه در مورد بازار مورد مطالعه باید گفته شود اینست که ، بازار جلالیه به نوعی ترکیبی از سه نوع بازار است به دلایل زیر :

بازاری دائمی است ؛ از این جهت که در طول سال و به صورت ثابت برقرار است که این گونه بیشتر دربرگیرنده بازاریان می باشد .
بازاری ادواری است ؛ به دلیل اینکه از جمله بازارهای هفتگی است که در روزهای دوشنبه و پنج شنبه دایر می باشد و در این گونه از بازار ما حضور بازاریان و دستفروشان را با همدیگر داریم .

بازاری کوتاه مدت است ؛ این گونه از بازارها به نوعی بیشتر دربرگیرنده ی دستفروشان و برخی دوره گردان می باشد ، به دلیل نوع محصولی که می فروشند مانند محصولات محلی (سبزیجات ، تخم مرغ ...) .

۲. تأثیر زمان بازار بر شهر :

بازار از صبح زود تا تقریباً اواخر شب برقرار است که در طی این زمان تغییراتی را در شهر مشاهده می کنیم . یکی از نقاط شهر که ما بیشترین تجمع انسانی را در آن مشاهده می کنیم بازار می باشد .

به عبارتی این تجمع انسانی از محدوده ی بازار شروع می شود و تا نقطه ی مهم دیگر در شهر یعنی حرم آقا سید جلال الدین اشرف وجود دارد.

این تجمع انسانی شامل حضور خود افراد در دو شکل افرادی که در پیاده روها هستند (فروشندگان و خریداران ، عابران) و افرادی که با وسایل نقلیه (ایجاد ترافیک) می باشد .

در فاصله ی زمانی بین عصر تا حدود یک تا دو ساعت بعد از غروب آفتاب در روزهای بازار (دوشنبه و پنج شنبه) پیاده روهای خیابان بسیار شلوغ می باشد (البته این ساعات درمورد فصول بهار و تابستان بیشتر صدق می کند) ، به طوری که رفت و آمد بسیار دشوار می گردد و برخی از افراد برای آنکه حریمشان حفظ شود و از بسیاری از پیامدهای منفی این تراکم جمعیت از قبیل دزدی وسایلشان ، به ویژه در مورد خانم ها اینکه از کارهای منافی اخلاق و عفت و ... در امان باشند کناره های خیابان را به پیاده روها ترجیح می دهند و گاه همین مسأله سبب مشکلاتی در خیابان اصلی شهر می گردد که ایجاد اختلال درمسیر عبور و مرور وسایل نقلیه ، تصادف و ... در نتیجه سبب بی نظمی در شهر می گردد .

در ابتدای صبح و آخر شب می توان گفت کمترین میزان تجمع انسانی دیده می شود .

• انسان ها (فروشنندگان و خریداران) و بازار

فروشنندگان و خریداران در بازار شامل زنان و مردانی از گروه های سنی مختلف می باشند .
اما یکسری از ویژگی ها وجود دارد که این انسان ها را از سایر انسان ها در نقاط دیگر متمایز می کند:

زبان و لهجه :

ما این تنوع لهجه ها را به طور بارزی مشاهده می کنیم از طریق :

۱. گفتگوی افراد با یکدیگر
۲. نوع بیان کلمات و جملات جهت اعلام و تبلیغ محصولات توسط فروشنندگان (به ویژه دستفروشان)

پوشاک :

مردم نیز تحت تأثیر این شرایط آب و هوایی پوشش مناسب خود را انتخاب می کنند ، که به دو دسته تقسیم می شود :

پوشش عام : پوششی که در مردم شهرهای دیگر نیز از آن استفاده می کنند. مثلاً در مورد خانم ها ؛ چادر سیاه ، مانتو و شلوار با روسری یا مقنعه ، در مورد آقایان ؛ بلوز و شلوار ، کت و شلوار و ...

پوشش خاص : پوشش و به عبارت بهتر شکل پوششی که خاص مردم این منطقه (شمال کشور) می باشد و در شهرهای دیگر کشور یا مشاهده نمی شود یا اگر هم مشاهده شود به شکل گسترده مورد استفاده نیست .

نوع محصولات مورد مبادله:

محصولاتی که در بازار جلالیه ی شهرستان آستانه اشرفیه مورد مبادله قرار می گیرند بر دو دسته اند :

۱. محلی : بیشتر شامل خوراک می باشد از قبیل : برنج ، نان محلی ، سبزیجات و میوه های محلی ، انواع ترشیجات ، تخم مرغ محلی و ماهی تازه صید شده از دریا ...
۲. غیر محلی : شامل خوراک ، پوشاک ، وسایل تزئینی ، انواع ظروف ، اسباب بازی ، ... می باشد .

می توان گفت که هم بازاریان و هم دستفروشان به فروش محصولات در هر دو دسته می پردازند ، اما دوره گردان بیشتر به فروش محصولات محلی می پردازند .

• حرم آقا سید جلال الدین اشرف :

این مکان مذهبی به همراه مسجدی که در نقطه ی مقابل خود دارد (مسجد جامع) خود دارد ، به نوعی قطب مذهبی شهر را در قسمت مرکز شهر تشکیل داده است :

به دلیل اینکه از بناهای مذهبی می باشد، از سال های بسیار دور محل تجمع افراد انسانی بوده و است.

مرد و زن و پیر و جوان و کودک ، کسانی هستند که به این مکان می آیند و محیطی نیست که به افراد خاصی تعلق داشته باشد .

ما فضاهای اقتصادی را هم در این نقطه از شهر بسیار مشخص مشاهده می کنیم.

از فاصله ی بعد از حرم مطهر تا محدوده ی آخر شهر که به میدان امام حسین می رسد و باز وارد محیط دهستان می شویم ، مثل آنچه که در ورودی شهر ملاحظه کردیم (دهستان

کورکاء) به سمت شهرستان لاهیجان می رویم چندین نکته مشاهده می شود:

۱. تعداد افراد انسانی به مراتب نسبت به دو نقطه ی مذهبی (حرم) و اقتصادی (بازار) کمتر می شود .

۲. در این قسمت شهر بیشتر مغازه ها کالاهایی را می فروشند که شامل محصولات مهم شهر و استان می باشد. (برنج ، بادام زمینی ، کلوچه ، چای و ...)

۳. حضور مسافران در این قسمت از شهر بیشتر از اهالی خود شهر مشاهده می شود .

۲-۲- پرسش دوم

پرسش دوم: نشانه های شهری دارای چه کارکردهایی در شهر می باشند؟
در این بخش قصد داریم غیر از توصیفات که در بخش اشکال نمودیم، کارکرد این اشکال را بیان کنیم.

• پل کُری (کوری) :

با قرارگیری «پل کُری» بر رودخانه ی سفید رود نقش مهم آن را به عنوان لبه، در اتصال دهستان کورکاء و شروع فضای شهری (نقش ارتباط دهی دو محیط پیش و پس از رودخانه) را مشاهده می کنیم .
ترکیب پل و رودخانه نشانه ای را در شهر ایجاد می کند که این نشانه کاربری هایی را در شهر ایجاد نموده است:

۱. اتصال دو نقطه ی دهستان و شروع فضای شهری (قبل و بعد از پل)

۲. محل گذر افراد و حمل و نقل درون و برون شهری

۳. ایجاد اشتغال (صید و فروش ماهی)

۴. ایجاد فضایی برای پر کردن اوقات فراغت (شنا و ماهیگیری)

۵. شکل گیری فضای تفریحی در شهر (پارک ساحلی)

به عبارت دیگر کاربری این نشانه در این می باشد که محلی می باشد که به نوعی محل تمرکز اجتماع انسانی و آنچه این اجتماع انسانی با خود به همراه دارد و فرآورده های آن (انسان و فعالیت هایش و آنچه حاصل این فعالیت ها می باشد) ، می شود.

به عبارتی ذکر نام « پل کرپی » یا « پل سفیدرود » ، نشانه ای است برای مردم که یاد آور یک منطقه ای از شهر می باشد که یاد آور تمامی آن فضاهایی است که در بالا به آن ها اشاره شد .

به طوری که دیده و شنیده شده است که مردم از این نقطه برای دادن آدرس نیز استفاده می کنند ، به عبارتی نشانه ای است بریکسری از فضاها در شهر..

به تدریج که از پل به سمت شهر حرکت می کنیم اشکال جالبی را مشاهده می کنیم :

۱. شکل ساختمان ها

۲. انواع ساختمان ها (این قسمت بیشتر بر اساس کارکرد ساختمان ها تعریف می شود .)

● شکل ساختمان ها :

بر مبنای مشاهدات و تأملات آنچه به نظر می رسد دلیل اینکه ما بیشترین تعداد ساختمان ها را در در ترکیبی از دو فضای مسکونی و غیر مسکونی می بینیم این است که به نوعی این مسأله بر می گردد به کارکرد خیابان اصلی به عنوان راه و محل گذر افراد ، و به ویژه در مورد افراد بیرونی (افراد ی که به این شهر تعلق ندارند مانند مسافران ،رانندگان و...) ، به گونه ای که می توان گفت یکی از دلایل اینکه ساختمان های موجود در خیابان اصلی دارای کارکردی دو گانه (مسکونی و غیر مسکونی) به نوعی در ارتباط مستقیمی با نیاز انسان ها قرار می گیرد که ما در این جا آن را به دو دسته تقسیم می کنیم:

نیازهای عام ؛ شامل آن دسته از نیازهایی می شود که عموم مردم به آن احتیاج دارند و بیشتر به نیازهای اولیه مردم بر می گردد

نیازهای خاص؛ شامل آن دسته از نیازهای ثانویه می شود که بیشتر هم به دلیل وجود افراد بیرونی (افراد ی که متعلق به این شهر خاص نیستند مانند مسافران ،رانندگان و...) می باشد ، به عبارت دیگر بیشتر مورد استفاده ی این افراد قرار می گیرد .

همچنین یک ویژگی شاخص این ساختمان ها، شکل و جنس سقف آن می باشد

به دلیل شرایط آب و هوایی (هوای معتدل و بارندگی های فراوان در شهرهای شمالی کشور ایران) سقف اکثر ساختمان ها حالت شیروانی دارد و از جنس حلبی می باشد، به نظر ما این خود می تواند نشانه ای باشد که سبب شناخت و تمایز یک شهر شمالی از یک شهر جنوبی یا یک شهر در مرکز کشور شود.

انواع ساختمان ها (بناها):

ساختمان ها در اینجا بر اساس کارکرد و نقشی که دارند معرفی می شوند:

بناهای مسکونی

بناهای اداری

بناهای اقتصادی و تجاری

بناهای علمی و آموزشی

بناهای فرهنگی

بناهای زیارتی

بناهای تفریحی

• فلکه ی کیشهر:

وجود میدان جمهوری اسلامی شاید نقطه ی دیگری باشد که نظر افراد را به خود جلب می کند، از قدیم کشاورزان محصولات کدوی خود را به این نقطه می آوردند و می فروختند، به همین دلیل امروزه دیگر این میدان با نام جمهوری به عنوان نشانه برای مردم عمل نمی کند بلکه با نام میدان کدو برای مردم این منطقه شناخته می شود. همچنین به دلیل اینکه این میدان از چهار جهت به چهار نقطه راه دارد به نام یکی از این راه ها نامیده

می شود مثلاً این میدان به دلیل اینکه راه به بخش کیشهر (از بخش های شهرستان آستانه اشرفیه) دارد، فلکه ی کیشهر نامیده می شود.

بدین ترتیب فلکه ی کیشهر نشانه ای می شود برای اینکه افراد در صحبت ها و روابط در شهر از آن به عنوان نقطه ای یاد کنند مثلاً برای دادن آدرس از آن استفاده می کنند. مثلاً زمانی که می خواهند آدرس رستورانی که در حوالی میدان قرار دارد می گویند: "فلکه ی کیشهر - رستوران (...)" در میان کلام مردم هیچ زمانی نامی از میدان جمهوری برده نمی شود.

• بازار :

باید بگوییم که عناصری که در ارتباط با بازار وجود دارد و به عبارتی اجزای تشکیل دهنده ی پدیده ای به عنوان بازار، کارکرد بازار را تعیین می کند و در نتیجه سبب می شود که بازار به عنوان یک نشانه برای مردم شهر عمل کند.

این عناصر عبارتند از :

فضا و مکان بازار

زمان و بازار

انسان ها (فروشنندگان و خریداران و عابران) و بازار

فضا و مکان بازار:

در اینجا زمانی که از فضایی به نام بازار صحبت می کنیم در واقع شامل دو بخش می شود که هر یک ویژگی ها و کارکردهای خاص خود را دارد: بخش درونی و بخش بیرونی.

منظور از بخش درونی بازار، آن بخش از بازار می باشد که فضای درونی بازار را (مجموعه ی مغازه ها و متعلقات آن) در بر می گیرد که دارای ویژگی های زیر می باشد:
۱. شکل رسمی دارد و همه ی افراد فروشنده (بازاریان) دارای حقوق معینی می باشند و در نتیجه این افراد موظف به رعایت قوانینی می باشند. (بدلیل وجود صنف بازاریان)

۲. در برگیرنده ی افراد فروشنده تحت عنوان بازاری که محل کسب و کار آنان مغازه هایی می باشد که شکل ثابتی دارند.

منظور از بخش بیرونی ، آن بخش از بازار می باشد که فضای بیرونی بازار را (فضای خارج از خود مکان بازار که شامل پیاده روها و خیابان هایی می شود که در اطراف بازار است.) در بر می گیرد که مشخصات آن :

۱. شکل غیر رسمی دارد ؛ به دلیل نبود قوانین و حقوقی برای افراد فروشنده (دستفروشان) که در جایی ثبت شده باشد.

۲. در برگیرنده ی افرادی تحت عنوان دستفروشان و دوره گردان که محل کسب و کار آنان می تواند دو شکل ثابت و متغیر داشته باشد.

محل کسب و کار :

اما نکته ی قابل توجه در هر سه صورت مکانی که افراد (مغازه ، پیاده روهای خیابان و خود خیابان و نوع تجهیز این مکان ها) برای محل فعالیت خود انتخاب نموده اند این است که شکل بازار ها در ارتباط مستقیمی با شرایط اقلیمی قرار می گیرد .

به دلیل اینکه آب و هوای شهرهای شمالی کشور معتدل می باشد و در اکثر اوقات سال دارای هوای بارانی می باشد ، بنابراین فروشندگان (بازاریان ، دستفروشان و دوره گردها) محل فعالیت خود را جهت حفاظت از کالاها و محصولات خود به گونه ای مجهز می سازند .

که در روند این کار آنچه که در نتیجه حاصل می شود این مسأله است که نوع تجهیز مکان فعالیت شکل خاصی به آن می دهد که سبب تمایز آن از سایر شهرها مثلاً یک شهر در مرکز یا جنوب کشور و ... می گردد.

زمان و بازار

ما مفهوم زمان را در دو دسته قرار می دهیم:

بر اساس زمان تشکیل بازار

تأثیر زمان بازار بر شهر (این قسمت بیشتر بر کارکرد بازار تأکید دارد.)

تأثیر زمان بازار بر شهر :

در فاصله ی زمانی بین عصر تا حدود یک تا دو ساعت بعد از غروب آفتاب در روزهای بازار (دوشنبه و پنجشنبه) پیاده روهای خیابان بسیار شلوغ می باشد (البته این ساعات درمورد فصول بهار و تابستان بیشتر صدق می کند) ، به طوری که رفت و آمد بسیار دشوار می گردد و برخی از افراد برای آنکه حریمشان حفظ شود و از بسیاری از پیامدهای منفی این تراکم جمعیت از قبیل دزدی وسایلشان ، به ویژه در مورد خانم ها اینکه از کارهای منافی اخلاق و عفت و ... ، در امان باشند کناره های خیابان را به پیاده روها ترجیح می دهند و گاه همین مسأله سبب مشکلاتی در خیابان اصلی شهر می گردد که ایجاد اختلال در مسیر عبور و مرور وسایل نقلیه ، تصادف و ... در نتیجه سبب بی نظمی در شهر می گردد .

به عبارت دیگر در روزهای بازار ، در خیابان اصلی در فاصله ی دو مکان (از بازار تا محدوده ی حرم و کمی بعد از آن) ، این تجمع انسانی بیشتر از هر نقطه ی دیگری در شهر مشاهده می شود .

آنچه که از این مطالب نتیجه گیری می شود اینست که در فاصله ی دو نقطه ی اقتصادی و مذهبی ، ما حضور انسان ها را در این شهر به طور مشخصی مشاهده می کنیم ، به عبارت دیگر آنچه به نظر می آید اینست که همواره مردم به دنبال رفع نیازهای خود می باشند و بدین ترتیب در این تحقیق رفع نیاز مادی مردم را به بازار و رفع نیاز های

معنوی آنان را به مسجد و زیارتگاه و مسجد (حرم آقا سید جلال الدین اشرف و مسجد جامع) می کشاند و در نتیجه تجمع انسانی در مکان های مختلف ارتباط مستقیمی با نیازها و رفع نیازهای آنان دارد .

• انسان ها (فروشنندگان و خریداران) و بازار

فروشنندگان و خریداران در بازار شامل زنان و مردانی از گروه های سنی مختلف می باشند .

اما یکسری از ویژگی ها وجود دارد که این انسان ها را از سایر انسان ها در نقاط دیگر متمایز می کند:

زبان و لهجه :

در این مورد آنچه دریافتیم این بود که حتی دانستن زبان و لهجه گیلکی می تواند در بسیاری از مواقع کارکرد ویژه ای داشته باشد ؛ مثلاً وقتی سوار ماشین می شوید و بخواهید با زبان فارسی صحبت کنید ، گاهی دیده شده که رانندگان چون فرد را نمی شناسند و همچنین به علت اینکه لهجه ی گیلکی ندارد ، در گرفتن کرایه ، قانون را زیر پا می گذارند و یا در بازار جنس را گرانتر به شما می دهند یا حداقل تخفیفی نمی دهند . (البته این موارد بسیاری دیده شده است ولی نمی توان این مسئله را نسبت به همگان عمومیت داد .)

پوشاک :

در مورد پوشاک آنچه که مشاهده شده است را اینطور می توان تحلیل نمود که :
مسئله ی پوشاک مانند خوراک از جمله مواردی است که با شرایط اقلیمی در ارتباط مستقیم می باشد . به دو دسته تقسیم می شود :

پوشش عام و پوشش خاص با یکدیگر یک واقعیت از شکل پوشش در شهر را به وجود می آورند که پوشش خاص در واقع نشانه ای می شود که ما از طریق آن به این نکته می

توانیم دست یابیم که یک شهر شمالی دارای چنین ویژگی ای می باشد و همین ویژگی سبب خاص بودن آن می گردد .

نوع محصولات مورد مبادله:

محصولاتی که در بازار جلالیه ی شهرستان آستانه اشرفیه مورد مبادله قرار می گیرند بر دو دسته اند :

۱. محلی ۲. غیر محلی

به طور کل می توان گفت در بسیاری از موارد آنچه که خاص هستند بیشتر به دیده ی ناظران (افراد درونی و افراد بیرونی) می آید ، مثال آن را می توان در همین چند گزینه ی مربوط به کارکرد زبان و لهجه (گیلکی) ، نوع پوشاک (خاص) ، نوع محصول (محلی) به روشنی دید .

نتیجه ای که از این بخش حاصل می شود را می توان به اینصورت بیان نمود که با تأثیری که مکان و زمان و انسان ها (به عنوان عناصری که با بازار در ارتباط هستند و به نوعی در نهایت از اجتماع آن ها پدیده ای به عنوان بازار شکل می گیرد) در شهر می گذارند ، سبب می شود که بازار در این شهر به عنوان نشانه ای عمل کند که کارکردهای خاصی نیز داشته باشد که حاصل تأثیر متقابل این عناصر (مکان و زمان و انسان) بر روی یکدیگر می باشد .

• حرم آقا سید جلال الدین اشرف :

این مکان مذهبی به همراه مسجدی که در نقطه ی مقابل خود دارد (مسجد جامع) ، به نوعی قطب مذهبی شهر را در قسمت مرکز شهر تشکیل داده است .

این مکان مذهبی و ، به نوعی قطب مذهبی شهر را در قسمت مرکز شهر تشکیل داده اند

البته در کنار این موقعیت مذهبی ما میدان را هم داریم که مجموعه ی این ها در کنار خود چند پاساژ هم وجود دارد و یک موقعیت کسب و کار را هم برای افراد به وجود آورده است .

حرم ، این قطب مذهبی در شهر دارای کارکردهایی می باشد :
محل زیارت و عبادت
ایجاد فضایی برای کسب معاش
محلی برای اجرای مراسم ها
محل قرار ملاقات افراد

● محل زیارت و عبادت :

حضور افراد درونی با افراد بیرونی شهر از لحاظ روزهای مراجعه تفاوت هایی با یکدیگر دارد ، که به نوعی بر می گردد به کارکرد سایر فضای شهر در روزهای خاص (مثلاً تأثیر فضای بازار در شلوغی شهر و عدم مراجعه ی بسیاری از اهالی شهر در ساعات خاصی از این روزها به حرم مطهر و اینکه فضا به نوعی برای افراد بیرونی جهت زیارت آماده تر و آرام تر باشد .)

● ایجاد فضایی برای کسب معاش:

یکی از کارکردهای مهم این قطب مذهبی ، فراهم کردن فضایی برای اهالی شهر جهت کسب و کار و امرار معاش می باشد .

• محلی برای اجرای مراسم ها :

معمولاً جهت برگزاری مراسم ختم و به ویژه مراسم روزهای عاشورا و در ماه های محرم و صفر و رمضان و مراسم هایی چون برگزاری ادعیه ی مذهبی و ... مورد استفاده قرار می گیرد. در اینجا یکی از کارکردهای مکان مذهبی و نقش آن در تجمع انسانی ای که در شهر پدید می آورد به خوبی خود را نشان می دهد.

• محل قرار ملاقات افراد :

به دلیل کمبود فضاهای تفریحی و اماکنی که افراد بتوانند در آن اوقات خود را به سر برند (ناامنی پارک ، نبود سینما و ...) گاه این مکان دارای کارکردی جدای از کارکرد مذهبی نیز می یابد .

آنچه از این بخش نتیجه گیری می شود اینست که آنچه افراد درونی و بیرونی به عنوان ناظر یک مکان (مثلاً در اینجا مکان مذهبی) را مشاهده می کنند و کارکرد خاصی را از آن انتظار دارند

اولاً با یکدیگر متفاوت است ، ثانیاً کارکرد یک مکان تنها به همان کارکردی که افراد فکر می کنند محدود نمی شود بلکه آن مکان می تواند کارکردهای پنهانی نیز داشته باشد که تنها برای مردم همان شهر معنادار است .

که البته گاه حتی برای تمامی افراد درونی شهر نیز شناخته شده نمی باشد .

مثلاً در مورد فضای حرم ، نشستن در قسمت هایی از این مکان از دید افراد درونی (اهالی شهر)

ناپسندیده است ، به دلیل فضا و محیط خاصی که در بالا توضیحات آن داده شد.

البته نشستن به همراه خانواده و ... ، اصلاً چنین معنایی را نمی رساند و کار ناپسندی به شمار نمی آید.

چنین مسأله ای برای افراد بیرونی به هیچ وجه روشن نیست و ممکن است وقتی وارد شهر بشوند و این حرکت را انجام بدهند ، با برخوردهای متفاوتی از سوی افراد مواجه شوند و ممکن است حتی هیچ موقع هم از این موضوع آگاهی پیدا نکنند .

از فاصله ی بعد از حرم مطهر تا محدوده ی آخر شهر که به میدان امام حسین می رسد و باز وارد محیط دهستان می شویم ، مثل آنچه که در ورودی شهر ملاحظه کردیم (دهستان کورکاء) به سمت شهرستان لاهیجان می رویم ، به دلیل اینکه به مرز دو شهر نزدیک می شویم ، فضا بیشتر طوری است که بیشتر جهت رفاه افراد بیرونی به ویژه مسافران قرار می گیرد .

۳- نتیجه گیری :

آنچه ما با استفاده از روشهایی که در این تحقیق به کار گرفتیم به دست آوردیم به طور کلی پاسخی به پرسش سوم تحقیق ما می باشد که به نوعی در بر گیرنده ی دو پرسش دیگر این تحقیق نیز است ، برای پاسخگویی به این پرسش که چگونه نمادها و نشانه ها در شهرستان آستانه اشرفیه نشان می دهند محیطی که ما از آن صحبت می کنیم یک شهر (به ویژه یک شهر شمالی) است؟

ما در این تحقیق به هر آنچه که به عنوان نماد و نشانه در شهرستان آستانه ی اشرفیه به آن اشاره می کنیم (پل ، فلکه کیشهر(میدان جمهوری) ، بازار ، حرم آقا سید جلال

الدین اشرف) در قالب دو مفهوم مطرح کرده ایم که نتایج حاصل از آن‌ها (ترکیبی از دو مفهوم) در این قسمت می‌آید:

این اشکال عبارتند از یکسری فضاها در شهر که نشانه اند و همچنین به اشکالی که در بین فضاها قرار دارند می‌پردازیم:

چهار نقطه ای که در شهر نشانه می‌باشند عبارتند از:

پل و فلکه ی کیشهر/ میدان جمهوری (دو نقطه ی مهم ارتباطی) ، بازار (نقطه ی اقتصادی) ، حرم آقا سید جلال الدین اشرف (نقطه ی مذهبی) به عنوان نشانه در این شهر در نظر گرفته می‌شوند .

این نشانه ها در کنار کارکردهای اصلی خود ، به دلیل ویژگی های فضایی خود و محدوده های اطراف خود کارکردهای دیگری جدای از کارکرد اصلی خود دارند و در نهایت شکل خاصی به شهر می‌دهند.

نیاز انسان ها به ارتباط ، نیاز انسان به مکان اقتصادی برای رفع نیازهای مادی و نیاز انسان به مکان معنوی برای رفع نیازهای معنوی ، شاید مهمترین عامل پدید آمدن این نشانه ها در شهر باشند .

در پی نیازها ، فضاهایی شکل می‌گیرد که برحسب اهمیت کارکرد می‌توانند به عنوان نشانه عمل کنند. اشکال نشانه ها با شرایط جغرافیایی در ارتباط نزدیکی می‌باشند.

پل کُری (کورپی) :

به عبارتی با قرارگیری «پل کُری» بر رودخانه ی سفید رود نقش مهم آن را به عنوان لبه، در اتصال دهستان کورکاء و شروع فضای شهری (نقش ارتباط دهی دو محیط پیش و پس از رودخانه) را مشاهده می‌کنیم .

این نشانه کاربری هایی را در شهر ایجاد نموده است:

▪ اتصال دو نقطه ی دهستان و شروع فضای شهری (قبل و بعد از پل)

▪ محل گذر افراد و حمل و نقل درون و برون شهری

▪ ایجاد اشتغال (صید و فروش ماهی)

▪ ایجاد فضایی برای پر کردن اوقات فراغت (شنا و ماهیگیری)

▪ شکل گیری فضای تفریحی در شهر (پارک ساحلی)

به تدریج که از پل به سمت شهر حرکت می کنیم اشکال جالبی را مشاهده می کنیم که خود به عنوان نشانه هایی در کنار خصوصیات عمومی شهر در جهت خاص شدن شهر عمل می کنند که :

۱. شکل ساختمان ها

۲. انواع ساختمان ها

ساختمان ها به این اشکال دیده می شوند:

صرفاً مسکونی

صرفاً غیر مسکونی؛ شامل: اداری، تجاری، مذهبی، آموزشی و فرهنگی و ...

ترکیبی از دو شکل مسکونی و غیر مسکونی

به نظر می رسد دلیل اینکه ما بیشترین تعداد ساختمان ها را در گزینه ی سوم می بینیم این است که به نوعی این مسأله بر می گردد به کارکرد خیابان اصلی به عنوان راه و محل گذر افراد، و به ویژه در مورد افراد بیرونی (افراد ی که به این شهر تعلق ندارند مانند مسافران، رانندگان و...)، به گونه ای که می توان گفت یکی از دلایل اینکه ساختمان های موجود در خیابان اصلی دارای کارکردی دو گانه (مسکونی و غیر مسکونی) به نوعی در ارتباط مستقیمی با نیاز انسان ها قرار می گیرد :

که نیازهای عام؛ شامل آن دسته از نیازهایی می شود که عموم مردم به آن احتیاج دارند و بیشتر به نیازهای اولیه مردم بر می گردد. مانند نیاز به مسکن، نیاز به خوراک ها، نیاز به امنیت، نیاز به بهداشت، نیاز به وسایل حمل و نقل و غیره که متناسب با این ها فضاهایی در شهر شکل می گیرد.

نیازهای خاص؛ شامل آن دسته از نیازهای ثانویه می شود که بیشتر هم به دلیل وجود افراد بیرونی (افرادی که متعلق به این شهر خاص نیستند مانند مسافران، رانندگان و...) می باشد، به عبارت دیگر بیشتر مورد استفاده ی این افراد قرار می گیرد. مانند رستوران ها، هتل، مغازه های موقتی (قهوه خانه های سر راهی، فروشگاه های صنایع دستی، فروشگاه های محصولات محلی و...).

تأثیر شرایط اقلیمی بر شکل نشانه ها: به دلیل شرایط آب و هوایی (هوای معتدل و بارندگی های فراوان در شهرهای شمالی کشور ایران) سقف اکثر ساختمان ها حالت شیروانی دارد و از جنس حلبی می باشد، به نظر ما این مجموعه خود می تواند نشانه ای باشد که سبب شناخت و تمایز یک شهر شمالی از یک شهر جنوبی یا یک شهر در مرکز کشور شود.

• انواع ساختمان ها (بناها):

ساختمان ها در اینجا بر اساس کارکرد و نقشی که دارند معرفی می شوند که با جزیی شدن بر روی هر کدام از این ها، در کنار ویژگی های عمومی یکسری ویژگی های خاص نیز دارند که سبب خاص شدن شهر می شود مانند: بناهای مسکونی، اداری، اقتصادی و تجاری، علمی و آموزشی، فرهنگی، زیارتی، تفریحی و ...

فلکه ی کباشهر:

به دلیل اینکه میدان جمهوری از چهار جهت به چهار نقطه راه دارد به نام یکی از این راه ها نامیده می شود مثلاً این میدان به دلیل اینکه راه به بخش کباشهر (از بخش های شهرستان آستانه اشرفیه) دارد، فلکه ی کباشهر نامیده می شود.

بازار :

این نقطه در ارتباط با سه عنصر فضا، زمان، انسان به عنوان یک نشانه در شهر عمل می کند که در کنار کارکرد اقتصادی خود کارکردهای دیگری نیز دارد :

یعنی ما در بازار جلالیه ی شهرستان آستانه اشرفیه حضور روستا و روستاییان را به شکل بارزی مشاهده می کنیم که در تقابل با شهر و شهری ها و به ویژه عرضه ی محصولات به همدیگر، در مجموع شکل خاصی را به بازار و شهر می دهند.

فضا و مکان بازار:

کارکرد اقتصادی بازار با توجه به دو بخش درونی و بخش بیرونی، کارکردهای دیگری نیز می یابد.

ما براساس همین دو بخش درونی و بیرونی اشکال متفاوتی را از نظر محل کسب و کار افراد، تفاوت وضعیت مشاغلی که تنها از لحاظ مکان رسمی و غیر رسمی محسوب می شوند،

اما نکته ی قابل توجه در هر سه صورت مکانی که افراد (مغازه، پیاده روها و خود خیابان) برای محل فعالیت خود انتخاب نموده اند این است که شکل بازارها در ارتباط مستقیمی با شرایط اقلیمی قرار می گیرد.

به طوری که حتی نوع تجهیز مکان فعالیت شکل خاصی به آن می دهد که سبب تمایز آن از سایر شهرها مثلاً یک شهر در مرکز یا جنوب کشور و ... می گردد.

به طور کلی، این اشکال سبب می شود شکل مکان کار بازار به نوعی، خاص بشود.

زمان و بازار

ما مفهوم زمان را در دو دسته قرار می دهیم:

بر اساس زمان تشکیل بازار

تأثیر زمان بازار بر شهر (این قسمت بیشتر بر کارکرد بازار تأکید دارد.)
یکی از نقاط شهر که ما بیشترین تجمع انسانی را در آن مشاهده می کنیم بازار می باشد
بازار جلالیه به نوعی ترکیبی از سه نوع بازار است :

بازاری دائمی است بازاری ادواری است ، بازاری کوتاه مدت است .
یکی از نقاط شهر که ما بیشترین تجمع انسانی را در آن مشاهده می کنیم بازار می باشد ..
در روزهای بازار ، در خیابان اصلی در فاصله ی دو مکان (از بازار تا محدوده ی حرم و
کمی بعد از آن) ، این تجمع انسانی بیشتر از هر نقطه ی دیگری در شهر مشاهده می شود

به عبارتی وجود پیاده روهای باریک در شهر به نسبت تعداد جمعیت کنونی شهر و نیاز
این افراد به فضایی برای رفع نیازهای اولیه (تهیه خوراک ، پوشاک و ...) و نیازهای
ثانویه (مثلاً برای گذراندن اوقات فراغت و ...) همگی این عوامل دست به دست می
دهد تا بتوان برای ساختار شهر و انسان هایی که در این فضا زندگی می کنند برنامه
ریزی بهتری کرد و با ایجاد فضاهای جدید و مورد نیاز افراد گام هایی در جهت رفع این
مشکلات و نیازها برداشت.

آنچه که از این مطالب نتیجه گیری می شود اینست که در فاصله ی دو نقطه ی اقتصادی
و مذهبی ، ما حضور انسان ها را در این شهر به طور مشخصی مشاهده می کنیم ، به
عبارت دیگر آنچه به نظر می آید اینست که همواره مردم به دنبال رفع نیازهای خود می
باشند و بدین ترتیب در این تحقیق رفع نیاز مادی مردم را به بازار و رفع نیازهای معنوی
آنان را به مسجد و زیارتگاه و مسجد (حرم آقا سید جلال الدین اشرف و مسجد جامع)
می کشاند و در نتیجه تجمع انسانی در مکان های مختلف ارتباط مستقیمی با نیازها و
رفع نیازهای آنان دارد .

• انسان ها (فروشنندگان و خریداران) و بازار :

نشانه هایی که انسان در محدوده ی خود دارد و شکلی که از او و ویژگی ها و متعلقاتی که او دارد و در نهایت یک قسمتی از شکل شهر را در قالب بازار نشان می دهند و سبب تمایز شهر شمالی از سایر شهر ها می شود عبارتند از :

زبان و لهجه ، پوشاک ، نوع محصولات که در بازار عرضه می گردد .
نتیجه ای کلی ای که از این بخش حاصل می شود را می توان به اینصورت بیان نمود که با تأثیری که مکان و زمان و انسان ها (به عنوان عناصری که با بازار در ارتباط هستند و به نوعی در نهایت از اجتماع آن ها پدیده ای به عنوان بازار شکل می گیرد) در شهر می گذارند ، سبب می شود که بازار در این شهر به عنوان نشانه ای عمل کند که کارکردهای خاصی نیز داشته باشد که حاصل تأثیر متقابل این عناصر (مکان و زمان و انسان) بر روی یکدیگر می باشد .

حرم آقا سید جلال الدین اشرف :

این قطب مذهبی در شهر ، دارای کارکردهای به جز کارکرد اصلی خود (کارکرد مذهبی) می باشد :

- محل زیارت و عبادت
- ایجاد فضایی برای کسب معاش
- محلی برای اجرای مراسم ها
- محل قرار ملاقات افراد

آنچه از این بخش نتیجه گیری می شود اینست که آنچه افراد درونی و بیرونی به عنوان ناظر یک مکان (مثلاً در اینجا مکان مذهبی) را مشاهده می کنند و کارکرد خاصی را از آن انتظار دارند

اولاً با یکدیگر متفاوت است ، ثانیاً کارکرد یک مکان تنها به همان کارکردی که افراد فکر می کنند محدود نمی شود بلکه آن مکان می تواند کارکردهای پنهانی نیز داشته باشد که

تنها برای مردم همان شهر معنادار است ، البته گاه حتی برای تمامی افراد درونی شهر نیز شناخته شده نمی باشد .

چنین مسأله ای برای افراد بیرونی به هیچ وجه روشن نیست و ممکن است وقتی وارد شهر بشوند به دلیل نا آگاهی از این کارکردها و انجام حرکاتی که مغایر با آن کارکرد است ، با برخوردهای متفاوت و ناخوشایندی از سوی افراد مواجه شوند و ممکن است حتی هیچ گاه هم از این موضوع آگاهی پیدا نکنند، به عبارتی بعضی نشانه ها برای افراد درونی شهر معنایی داشته باشد که افراد بیرونی حتی به آن نمی اندیشند.

نشانه ها در این تحقیق :

۱. عوامل فضا ، زمان ، انسان و ویژگی ها و متعلقات او از عناصر مهم بوجود آورنده ی آن می باشند .

۲. در ارتباط بسیار نزدیک و مستقیمی با نیازهای انسان ها هستند .

۳. بسیار متأثر از شرایط اقلیمی و جغرافیایی هستند .

۴. این نشانه ها همگی مرکز تجمع انسانی (به اشکال مختلف) می باشند .

۵. در کنار کارکرد اصلی خود ، پل و میدان (کارکرد ارتباطی) ، بازار (کارکرد

اقتصادی) ، حرم آقا سید جلال الدین اشرف (کارکرد مذهبی) ، کارکردهای

مختلفی می باشند که در برخی موارد این کارکردها دارای دو جنبه ی آشکار و

پنهان می باشد که پنهان بودن آن به این دلیل می باشد که بسیاری از کارکردها تنها

برای افراد درونی شهر (اهالی شهر) قابل درک و شناخته شده است .

منابع:

۱. رابینو، ه.ل.، ۱۳۶۶، ولایات دارالمرز ایران گیلان، ترجمه ی جعفر خمami زاده، رشت، انتشارات طاعتی.
۲. سلطان زاده، حسین، ۱۳۸۰، بازار های ایرانی، مجموعه ی از ایران چه می دایم؟، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۳. علیزاده، عیسی، ۱۳۸۱، منوگرافی کوچان یا آستانه اشرفیه، رشت، انتشارات گیله وا.
۴. فقیه محمدی جلالی (بحرالعلوم گیلانی)، محمد مهدی، ۱۳۸۳، سیمای کوچان (جلد ۱ و ۲)، مؤسسه ی فرهنگی انتشاراتی بخشایش.
۵. فکوهی، ناصر، ۱۳۸۳، انسان شناسی شهری، تهران، نشر نی.
۶. کشاورز، کریم، ۱۳۴۷، گیلان، بی جا، انتشارات کتابخانه ی ابن سینا.
۷. لینیچ، کوین، ۱۳۷۴، سیمای شهر، ترجمه ی دکتر مهندس منوچهر مزینی، تهران، مؤسسه ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. [www . Astaneh Ashrafiyeh . com](http://www.Astaneh Ashrafiyeh.com)
۹. اطلاع رسان ها :

خانم ها: ۱. ز.ف ، ۲۶ساله ، خانه دار. ۲. ز.ح ، ۵۱ ساله ، خانه دار .
آقایان : ۱. م . الف ، ۳۱ساله ، حسابدار . ۲. آ.ع ، ۵۵، ساله ، دبیر بازنشسته . ۳. آ.ت ،
دستفروش .
و سایر دستفروشان عزیزی که متأسفانه نامی از آنان در دسترس محقق نبود .

ضمایم :

معرفی شهرستان آستانه اشرفیه:

تاریخچه:

در کتابهای تاریخی آمده است که شهرستان آستانه اشرفیه در گذشته چورکوچان نامیده می شد و چور در زبان گیلکی به معنای زمین بایر و بلااستفاده (لم یزرع) بکار می رود. اما پس از تدفین حضرت سید جلال الدین اشرف (ع) پسر امام موسی کاظم (ع) و برادر حضرت امام رضا (ع) در این شهر نام آن به آستانه اشرفیه تغییر یافت .
آبرفت های حاصل از رودخانه عظیم و خروشان سفیدرود باعث حاصلخیزی بسیار زیاد این منطقه شده است. بطوریکه هم اکنون زمین بایر و بلااستفاده در این شهرستان به ندرت یافت می شود. حاصلخیزی این خاک باعث شده است تنوع وسیعی از محصولات

کشاورزی در این شهرستان وجود داشته باشد و به قول کارشناسان کشاورزی به نمایشگاهی بزرگ از مرغوبترین محصولات کشاورزی تبدیل شده است.

موقعیت جغرافیایی :

این شهرستان با وسعت ۶/۴۲۶ کیلومتر مربع در شرق استان گیلان در عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه و طول جغرافیایی ۴۹ درجه و ۵۶ دقیقه شرق نصف النهار مبدا واقع شده است و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۳ متر است.

وضعیت جمعیتی:

شهرستان آستانه اشرفیه ۱۲۷ هزار نفر جمعیت دارد.

۴۲ درصد جمعیت این شهرستان شهر نشین و ساکن در دو شهر آستانه اشرفیه و بندر کیشهر و ۵۸ درصد روستانشین و ساکن در ۱۰۷ روستا می باشند .

ساختار فضایی شهرستان :

این شهرستان از دو بخش مرکزی با چهار دهستان (کورکاء، دهشال، کیسم و چهارده) و بخش بندر کیشهر با دو دهستان (دهسر و دهکاء) تشکیل شده است .

وضعیت مشاغل:

«مشاغل در این شهرستان را می توان مانند بسیاری دیگر از نقاط دیگر کشورمان به دو دسته تقسیم نمود: در این تقسیم بندی "شرایط آب و هوایی و اقلیمی" به عنوان معیار این تقسیم بندی (محلی و غیرمحلی بودن) در نظر گرفته می شود:

۱) مشاغل محلی : مشاغلی که بیشتر تحت تأثیر شرایط آب و هوایی و اقلیمی بوجود می آیند: مانند کشاورزی و وجود کارگران فصلی کشاورزی ، وجود دستفروشان محصولات محلی و... .

۲) مشاغل غیر محلی : به آن دسته از مشاغلی گفته می شود که عام تر می باشند ، به این دلیل که در اکثر شهرها چنین مشاغلی وجود دارد.

مانند : کارمندان و کارگران ادارات مختلف (معلم ، حسابدار، مدیر و...) ، راننده ، نانوا و آرایشگر و

البته در واقعیت امر در بسیاری از موارد ، ما افرادی داریم که دارای شغل در هر دو دسته می باشند مثلاً یک فرد را با دو نقش می بینیم: معلم کشاورز، نانوا یا باغدار و ... « (محقق) موقعیت اقتصادی:

تمرکز اقتصاد شهرستان در دو مورد می باشد:

الف) وضعیت کشاورزی:

به دلیل اهمیت کشاورزی در اقتصاد این شهرستان اطلاعاتی در این باره در این بخش آورده می شود.

برنج:

عمده ترین زراعت استان گیلان بوده و هست.

شهرستان آستانه اشرفیه هم از بدو ورود این محصول به گیلان به دلیل دارا بودن زمین حاصلخیز و مرغوب به یکی از مراکز مهم تولید برنج در کشور تبدیل شد.

برنج آستانه اشرفیه از چنان مرغوبیت و معروفیتی برخوردار است که حتی در بسیاری از کشورهای دیگر برنج مرغوب ایرانی را با نام آستانه می شناسند. و در داخل کشور هم در بسیاری از شهرهای شمالی کشور، تجار برنج، محصولات خود را با نام آستانه صادر می کنند تا به قیمت بهتری بفروشند.

در این شهرستان ۲۳۵۰۰ هکتار از زمین های کشاورزی به زیر کشت ارقام مختلف برنج نظیر دمسیاه صدری، بینام، هاشمی، خزر و... می رود که با عملکرد بیش از ۴.۵ تن شلتوک در هر هکتار افزون بر ۱۰۶ هزار تن شلتوک برنج استحصال می شود.

در استان گیلان ۲۳۰ هزار هکتار شالیزار وجود دارد که به طور متوسط سالیانه ۱۰۶۸ تن برنج تولید می شود.

بدین ترتیب آستانه اشرفیه با دارا بودن بیش از ۱۰ درصد از شالیزارهای استان گیلان، ۱۰ درصد برنج تولیدی این استان را نیز تولید می کند.

در این شهرستان بیش از ۲۰۰۰۰ خانوار به کاشت برنج اشتغال دارند که به طور متوسط هر خانوار یک و دو دهم هکتار شالیزار دارد.

در حال حاضر ۱۳۰ واحد کارخانه برنجکوبی با ظرفیت بیش از ۱۰۰ هزار تن تبدیل شلتوک به برنج سفید را دارد.

بادام زمینی:

دومین محصول کشاورزی که در شهرستان دارای اهمیت ویژه ای است، بادام زمینی یا پسته شامی است به طوری که خیلی ها این شهرستان را شهر بادام زمینی هم می نامند.

بادام زمینی که از دانه های خوراکی - روغنی است نیاز به زمین های حاصلخیز، سبک و رسوبی دارد که زمین های کشاورزی آستانه اشرفیه حاصل از رسوبات رودخانه سفیدرود

مکانی مناسب برای کشت این محصول است. در آستانه اشرفیه ۴ هزار خانوار از اشتغال در زمینه تولید و فرآوری بادام زمینی امرار معاش می کنند و سالیانه با کشت این محصول

در ۲۵۷۵ هکتار باغ بادام افزون بر ۱۰ هزار تن پسته تر تولید می کنند.

آستانه اشرفیه با تولید ۸۰ درصد محصول بادام زمینی کشور عمده ترین مرکز تولید این محصول است.

۳.توتستان:

آستانه اشرفیه از دیرباز یکی از مهمترین مراکز پرورش پسته ابریشم در گیلان بوده است و کاشت درختان توت که اصلی ترین غذای کرم های ابریشم را تشکیل می دهند یکی از

مهمترین زراعت های کشاورزان این شهرستان بوده است.

طبق آمار سال ۱۳۸۰ شرکت پرورش ابریشم ایران بیش از ۱۶۱۰ هکتار از زمین های آستانه اشرفیه به توتستان اختصاص دارد.

در سال ۱۳۷۹ نوغانداران این شهرستان با پرورش ۱۸ هزار جعبه تخم نوغان بیش از ۷۰۰ تن پيله تر ابريشم توليد کرده بودند که متأسفانه در سال های اخیر به دلایل مختلف روند سير نزولی را طی کرده است.

مهمترین دلایلی که برای افت نوغانداری می توان ذکر کرد عبارتند از :

۱. سختی کار و کاهش نیروهای جوان در روستاها.
۲. نوسانات قیمت پيله در سال های اخیر.
۳. برف سال ۸۳ و خرابی تلنبار های پرورش نوغان
۴. صرفه اقتصادی پرورش چوب و

البته مسلماً اگر آمارگیری جدیدی انجام شود سطح زیر کشت توت در آستانه اشرفیه بسیار کمتر از ۱۶۱۰ هکتار خواهد شد، چرا که بسیاری از کشاورزان با قطع درختان توت به تولید و پرورش نهال صنوبر که بسیار با صرفه تر است روی آورده اند. در کتاب راهنمای گیلان چاپ ۱۳۷۷ آمده است: « در اواخر بهار و اوایل تابستان زمان عرضه پيله، هجوم خریداران پيله و ابريشم از سراسر کشور به خصوص مناطق قالیبافی ایران، به آستانه اشرفیه زیاد بوده و حجم پول در گردش در این ایام در شهرستان آستانه اشرفیه افزایش می یابد. اصطلاح کلاه سبزه‌ها، به طور عام، به خریداران پيله و ابريشمی اطلاق می گردد که از دیگر شهرستان ها به این شهرستان رو می آوردند.»

این بازار با رکود بازار پيله آرام آرام از بین رفت و هم اکنون جز خاطره ای در ذهن مردم این شهر نمانده است.

۴. چای :

نوشیدنی گوارایی است که بیشتر با نام لاهیجان معروف شده است و بسیاری حتی تصور نمی کنند که در شهرستان آستانه اشرفیه هم کشت شود.

اما بیش از ۶۰۰ هکتار از باغ های دهستان های کیسم و چهارده آستانه اشرفیه به کشت چای اختصاص دارد و کشاورزان زحمتکش این شهرستان سالیانه بیش از ۴۵۰۰ تن چای تولید و به بازار عرضه می کنند.

۵. صنوبر:

تولید و پرورش نهال صنوبر به عنوان یکی از درختان صنعتی در سال های اخیر در استان گیلان با نام کشت چوب به دلیل سودآوری و بازار پر رونق گسترش یافته است. آستانه اشرفیه هم به عنوان اولین کانون کشت چوب در استان گیلان مطرح شد به طوریکه از سال ۱۳۴۰ تنها مرکز تحقیقات مرکز صنوبر کشور در روستای صفراسته این شهرستان تاسیس شد.

آستانه اشرفیه در حال حاضر با تولید سالیانه بیش از ۳ میلیون اصله نهال صنوبر رتبه اول تولید این نهال را در کشور دارد.

نهال های تولید شده در این شهرستان به دلیل استفاده از بذرهای اصلاح شده از مرغوبیت ویژه ای برخوردار است.

ب (صنعت:

بر طبق آخرین آمارگیری کارگاههای صنعتی که در سال ۱۳۸۱ انجام شده است در شهرستان آستانه اشرفیه ۸۹۵ کارگاه صنعتی وجود دارد که از این میان ۳۴۴ مورد یعنی ۳۸ درصد در نقاط شهری و ۵۵۱ کارگاه یعنی ۶۲ درصد در نقاط روستایی قرار دارند.

بر طبق همین آمار تعداد کارگاههای تحت پوشش صنایع دستی استان که در شهرستان آستانه اشرفیه فعالیت می کنند ۲۱ واحد است که ۱۳ واحد آن به کارگاه های فرش و ۸ واحد آن مربوط به کارگاه های مرواریدی است، که البته به نظر می رسد این آمار بسیار کمتر از واقعیت است.

در شهرستان آستانه اشرفیه یک ناحیه صنعتی در روستای پرکاپشت توسط جهاد کشاورزی احداث شده است که ظرفیت احداث ۴۶ کارخانه دارد و هم اکنون ۶ کارخانه آن ساخته شده و فعال است.

همچنین یک شهرک صنعتی به مساحت ۲۰ هکتار با ظرفیت ۳۶ واحد کارخانه در روستای نقرده کیشهر احداث شده است که در حال حاضر تنها ۴ واحد آن فعال است. احداث مجتمع کارگاهی با ظرفیت ۳۲ کارگاه نیز یکی دیگر از برنامه های صنعتی این شهرستان است که توسط شرکت شهرکهای صنعتی در دست اجراست و تا کنون ۸ سوله از آن را در میدان امام حسین (ع) آستانه اشرفیه ساخته است اما به کسی واگذار نکرده است.

بهداشت و درمان :

شبکه بهداشت شهرستان آستانه اشرفیه شامل ۱۳ مرکز بهداشتی درمانی است که ۶ مرکز در مناطق شهری و ۷ مرکز در مناطق روستایی قرار دارد.

در مناطق روستایی ۵۵ خانه بهداشت با ۱۰۵ بهورز (۶۴ زن و ۴۱ مرد) به ارائه خدمات می پردازند، که نسبت جمعیت روستایی برخوردار از خدمات هر خانه بهداشت در آستانه اشرفیه ۱۲۲۶ نفر برای هر خانه بهداشت است.

هم اکنون ۲۰ پزشک عمومی، ۱۴ پزشک متخصص، ۴ دندانپزشک، ۱ دکترای حرفه ای علوم آزمایشگاهی و ۱ دارو ساز شاغل در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی در آستانه اشرفیه وجود دارند.

همچنین ۶۰ پزشک عمومی، ۱۳ دندانپزشک، و ۱۲ داروخانه در این شهرستان بطور آزاد کار می کنند.

در حال حاضر به ازای هر ۱۵۵۰ نفر یک پزشک عمومی و به ازای هر ۴۵۹۳ نفر یک پزشک متخصص وجود دارد.

در قسمت درمان بستری، یک بیمارستان دولتی با ۱۰۰ تخت به نام بیمارستان کوثر وجود دارد که از درآمدهای حرم مطهر حضرت سید جلال الدین اشرف (ع) در سال ۶۶ ساخته شد و به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تحویل داده شد.

سواد آموزی :
شهرستان آستانه اشرفیه ۱۲۷ هزار نفر جمعیت دارد ، بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۷۵ میزان باسوادی این شهرستان ۷۶ ممیز چهار دهم درصد و میزان بی سوادی ۲۳ ممیز شش دهم درصد بوده است که ۲۴۲۵۴ نفر را شامل می شد.
از این تعداد ۳۸۵۴ نفر معادل ۳ ممیز هفت دهم درصد جمعیت این شهرستان را بیسوادان زیر ۴۰ سال تشکیل می دادند.

با تلاش نهضت سواد آموزی و آموزشیاران نهضت در سال های ۷۵ تا کنون میزان بی سوادی کاهش یافته است بطوریکه بر اساس آمار سال ۱۳۸۳ سازمان مدیریت و برنامه ریزی در حال حاضر ۸۵ ممیز هشت صدم درصد جمعیت بالای ۶ سال این شهرستان باسواد و ۱۴ ممیز ۹۲ صدم درصد بیسواد هستند.
البته تلاشهای آموزش و پرورش هم در گسترش آموزش عمومی و تحت پوشش قراردادن کودکان واجب التعلیم تاثیر زیادی داشته است چرا که هم اکنون تنها ۲ درصد افراد زیر ۴۰ سال در این شهرستان بی سواد هستند.

تلاشهای نهضت سوادآموزی برای ریشه کنی بیسوادی همچنان ادامه دارد. و در سال ۸۵ هم با استفاده از ۵۴ آموزشیار (۸ نفر لیسانس - ۸ نفر فوق دیپلم و ۳۸ نفر دیپلم) توانسته است با تشکیل ۵۱ کلاس مقدماتی، ۳۶ کلاس تکمیلی، ۱۳ کلاس پایانی و ۹ کلاس پنجم ابتدایی، تعداد ۲۱۸۲ سوادآموز را تحت تعلیم قرار دهد.

آموزش عالی:

یکی از شاخصه های بارز پیشرفت و توسعه در هر شهری وجود مراکز آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی در آن شهر است.

شهرستان آستانه اشرفیه در گذشته ای نه چندان دور از داشتن این شاخصه در محرومیت به سر می برد و یکی از آرزوهای همیشگی مردم این شهر وجود یک مرکز آموزش عالی در این شهرستان بود. در حال حاضر ۴ مرکز آموزش عالی در این شهرستان فعال است که دانشجویان آنها در ۱۸ رشته دانشگاهی در مقاطع کاردانی و کارشناسی مشغول تحصیل هستند. مراکز آموزش عالی آستانه اشرفیه به شرح زیر است.

دانشگاه پیام نور آستانه اشرفیه :

این دانشگاه در سال ۱۳۸۱ در محل ساختمان مرکز تربیت معلم سابق آستانه اشرفیه در رشته حقوق در مقطع کارشناسی راه اندازی شد.

در سال ۸۲ رشته روانشناسی، در سال ۸۳ رشته علوم کامپیوتر و در سال ۸۴ رشته مهندسی کامپیوتر (نرم افزار) در مقطع کارشناسی به رشته های تحصیلی آن اضافه شد. در حال حاضر ۷۲۷ دانشجو در این مرکز در حال تحصیل هستند.

برای احداث ساختمان این دانشگاه ۵۵ هزار مترمربع زمین در منطقه کورکاء کنار زمین ورزشی شهید کروی از طریق منابع طبیعی به دانشگاه پیام نور واگذار شد تا ساختمان آن ساخته شود.

در حال حاضر نقشه این ساختمان تهیه شده است و در مرحله پی ریزی است. که در صورت تامین اعتبار لازم ساخته شود.

آموزشکده فنی امام جعفر صادق (ع) :

این آموزشکده نیز در سال ۱۳۸۱ در محل ساختمان مرکز تربیت معلم سابق امام جعفر صادق در دو رشته کاردانی حسابداری و کامپیوتر در دوره روزانه راه اندازی شد و در سال ۸۳ رشته کاردانی برق صنعتی (الکترونیک) هم به آن اضافه شد.

تاکنون ۱۲۳ نفر از دانشجویان این مرکز در ۳ رشته یاد شده فارغ التحصیل شدند که عده ای از آنان در مقطع کارشناسی در سایر مراکز آموزشی عالی در حال ادامه تحصیل هستند. در حال حاضر ۳۲۰ دانشجو در این ۳ رشته در دوره روزانه مشغول تحصیلند این آموزشکده با تأییدیه شورای گسترش آموزش عالی کشور از مهر ماه در ۲ رشته کاردانی حسابداری و برق صنعتی به پذیرش دانشجویان دوره شبانه اقدام می کند. امکانات آموزشی این آموزشکده شامل کلاس های درس، سایت های مجهز کامپیوتر، آزمایشگاه و کارگاه های مختلف است.

از امکانات کمک آموزشی و رفاهی این آموزشکده هم می توان به کتابخانه، سلف سرویس، خوابگاه ۱۶۰ نفره، سالن ورزشی و زمین فوتسال رو باز اشاره کرد. دانشگاه آزاد اسلامی :

متأسفانه دانشگاه آزاد اسلامی آستانه اشرفیه هنوز هم زیر مجموعه واحد لاهیجان است اما هم اکنون دارای ۹ رشته مستقل کاردانی ادبیات، دینی - عربی، ریاضی، علوم تجربی، آموزش ابتدایی و کارشناسی ریاضی، علوم تجربی، آموزش ابتدایی و معارف است و در حال حاضر ۱۲۰۰ دانشجو در این دانشگاه مشغول تحصیل اند.

موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی مهرآستان:

این موسسه آموزش عالی در سال ۱۳۸۴ به همت جمعی از تحصیلکردگان و اساتید دانشگاهی به مدیریت آقای دکتر امین ناصری مجوز فعالیت از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گرفت و در دو رشته کاردانی حسابداری و آمار با پذیرش ۲۸ دانشجو شروع به کار نمود.

این موسسه آموزش عالی در آینده درخواست برقراری رشته های تحصیلی مهندسی صنایع، IT، حقوق و حسابداری را دارد.

(کليه ی این اطلاعات بخش ضمايم از سایت [www . Astaneh Ashrafiyeh . com](http://www.AstanehAshrafiyeh.com) در اینجا آورده شده است.)